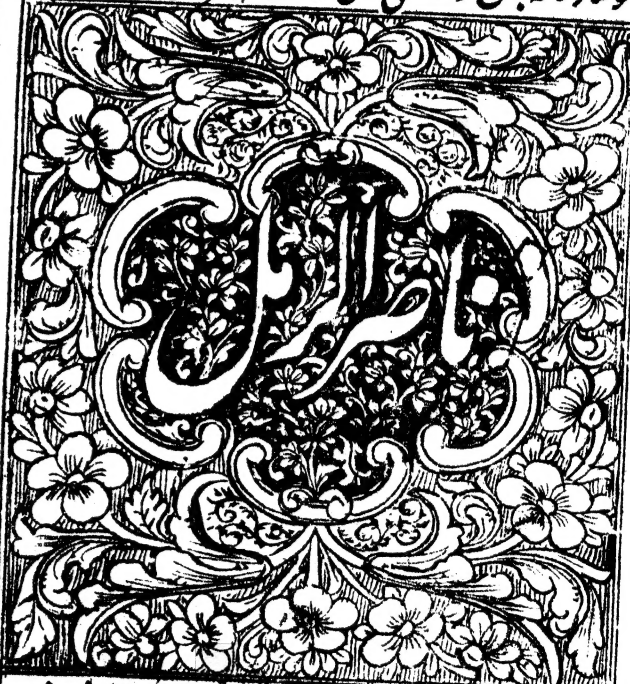


عنوان مکملین و فضل خلافت و زما

خوشا رساله جامع قواعد علمی و علمی فن رمل مبتدا بشریات و توضیحات علم



مصنفه صاحب سگاه فن رمل محمد ناصر بن محمد بن حیدر رمال شیرازی

نما و مشی نوکشو طبع رین ان جهان شد

از خدای تعالی توفیق می خواهم بر اتمام بالله الفی و التوفیق

مقدمه مشتمل بر دو مقاله

مقاله اول علمی در بیان شرائط رمل و آنچه درین علم ضرورت آموختن بود و آنکه اول رمال باید که در ساعت نیک رمل زند و هو اوصاف بود و در مجلس بعضی غم و اندوه نبود و خاطر رمال بر ایشان نباشد و رمل برای امتحان ترند و آدمی ناپاک در آن مجلس بدو رمال با طهارت باشد و روی بجانب قبله نشیند و قلم دراز خانه تراشد و در قلم گره نباشد و خرید قلم از وجه طلال باشد و در یک مجلس از سه رمل زیاده نکشد و در احکام سخن حکمت نگوید نه از راه حکومت و در زمان ریختن لفظ سخن نگوید و تمام یک قلم و سیاهی ریخته شوند و نقطه رمل در هر سطری زیاده از دوازده عدد نباشد و کم از هفت چرا که احکام رمل بدو از دوازده بروج و هفت کوکب است دیگر اگر رمل کشیده شب شود احکام صحیح تر افتد و بهترین رمل آنست که در رمل کشیده شود چرا که اول رمل در رمل پیدا شده و دیگر هم نام رمل است و بعد از کشیدن رمل چون احکام گفته شوند آنرا رمل دانند نه اعمال و اگر است شمارند دیگر نوک قلم و زبان برابر باشد و قط نوک قلم آواز نکند و سیاهی و قلم از وجه طلال باشد و باد و باران نباشد و جنب و حاض و در مجلس حاضر نباشد و چون خواهد که این علم بعمل آرد نخست سائل نیت کند و انگشت بر تخته هندو رمال دعا خواند و قلم بدو ضمیر خود و نیز نیت خود و قلم کند یعنی همراه بدوشن قلم و دعا این است رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُقْ لِي عَقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَعِنْدَ الْمُقَالِمِ الْعَيْبُ لَا يُعْلَمُ إِلَّا هُوَ لَا يَسْلُمُ مَا فِي النَّفْسِ وَالْجَنِّ وَمَا تَسْفُتُ مِنْ رِّقَّةٍ إِلَّا يُعْلَمُ وَلَا أَحَبُّ لِي عِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رُحْبُ الْأَبَاسِ إِلَّا فِي كِتَابِ

بیان ترتیب کردن شانزده شکل

بدانکه طریق چهار مرتبه دارد هر مرتبه را بعضی منسوب کرده اند نقطه اول یا نش نقطه دوم یا نش نقطه سوم یا نش نقطه چهارم یا نش و جماعت مضاعفت می است هیچ عنصر ندارد که هر چهار مرتبه می باشد و بدین قانون جمله اشکال نظر کند و هر چه که فرد باشد طبیعت آن عنصر است و هر چه زوج باشد اعتبار کند



حمد بجد و شناسه بیعدم عالم الغیبی را که اسرار غیبی جز او کسی نداند و حکمی را که در حکمت او همه حکم
عاجز و فهم جلوه انایان قاصر است و درود فرخنده هم پیشوائی را که سرور کائنات و بهترین موجودات
است صلی الله علیه و سلم اما بعد چنین گوید بنده صغیر و ضعیف امیدوار بر رحمت سبحانی ناظرین
محمد بن حمید را که مدتی درین شریف علم صرف نمودم و بعضی از کتب و رسائل متقدمان که درین
فن نوشته بودند در نظر آمد اگر چه بعضی در احکام این علم متکلمان آن محض غلط است چرا که این معجزه
حضرت دانیال بنی است و معجزه انبیاء و روح نخواهد بود و غلطی که در احکام رمل واقع میشد و آن نقصان
رمل است نه از رمل و بعضی احکام درین کمینه مدت بطریق تجربه برین کمینه حاصل شده بود بقلم آورده
عرض از تحریر این رساله نه اظهار فضل بود بلکه برای طالبان این فن یادگار بود امید از
ناظرین این رساله آنکه اگر بر سهوی و خطائی مطلع گردند با ظهار آن نقصان نگویند بذیل
عفو پوشند اگر توانند قلم اصلاح در بیخ ندارند و این رساله بر مقدمه و خاتمه بنیاد نهاده
استادان این و فن که درین مختصر است چنین در دیگر نسخا ظاهر نگفتند و از مردم
جاهل مخفی داشته اند و درین مختصر آنچه مقدمه است بر دو مقاله نهاده شد اول علمی و دوم علمی

[illegible]

مثلاً لیمان این صورت با آتش منسوب است و این شکل به حمزه باد منسوب است و بدانکه از اشکال رمل چهار نقطه بمنزله که عناصر رمل است اول آتش دوم باد سوم آب چهارم خاک بعد از این شکل را قسمت کرده اند که شانزده شکل حاصل آمد زباده بران اشکال ندارد و قسمت آن بدین طریق است ازین شکل بر طریق با نقطه اول زوج ساختند این شکل حاصل شد به عقیده الداخل و نقطه دوم از زوج ساختند این شکل حاصل شد به نصرة الداخل و نقطه سوم از زوج ساختند این شکل حاصل شد به انکس و نقطه چهارم از زوج ساختند این شکل حاصل شد به جماعت و جماعت از زوج آتش یک نقطه کم کردند این شکل حاصل شد به لیمان و از زوج باد یک نقطه کم کردند این شکل حاصل شد به نصرة الخارج و از زوج آب یک نقطه کم کردند این شکل حاصل شد به عقبة الخارج و از جماعت چون صرف نقطه باد و آب کم کردند این شکل حاصل شد به اجتماع و چون از جماعت صرف نقطه آب کم کردند این شکل حاصل شد به بیاض و از جماعت چون نقطه آتش و خاک کم کردند این شکل حاصل شد به عقد و از جماعت چون نقطه باد و خاک کم کردند این شکل حاصل شد به قبض الداخل و از جماعت چون آتش و آب کم کردند این شکل حاصل شد و از جماعت چون خاک کم کردند این شکل حاصل شد به یقی الخد و از جماعت چون یک نقطه باد کم کردند این شکل حاصل شد به حمزه پس شانزده بدین صورت حاصل شد بیان شانزده اشکال بطریق دایره تسکین شانزده جدول اینست

لیمان سعد خارج	قبض الداخل سعد	قبض الخارج محس فرب	جماعت خاکی کافی
مشرقی آتشی مشرقی زرد	خاکی آفتاب شیرین	تیره رنگ تلخ مفسد آتشی	مغربی رنگین بود قلمون
وسپید	مغوبه داخل	مشرقی خارج	ممتزج ثابت عطار د
فرج خارج سعد منقلب	به عقد محس منقلب کافی	انکس محس داخل	حمزه محس ثابت
زهره شمالی بادی سفید	معدنی دو ممتزج زحل	خاکی کافی زحل مغربی	ممتزج حیوانی شمالی بادی
طبع شیرین	مغربی تیره رنگ	حسدی تیره رنگ	درشت رنگ است

و دستار و برقع و آنچه بر سر باشد و از اعضا دماغی و مقصود الاشیا خانه دوم دلیل است بر غیرت و صلاح حال و مال و طالب و خروج کردن معاش و ساد و از زیر کان و قدم غایب غنی و فقر و خوشی و کسب و کسوت و زینت و تحمل و یاری خواستن در رزق و غذا خریدن و فروختن از اجناس و کلی احوال و نامه غایب آید بیا و احوال آنکه کسی پیش مال آید بیا و خواب و بیداری و همای بیاید بیا و بیست و با هم خیم و نقای زان و مرغ و درستان قرض زد و داد شود بیا و از اعضا چشم و دهان و روی و طعم و بیت المال کلی نامند و شریک آورد و سائل و قطع جامه کردن طالع طفل شیرخواره و احوال این بختن و رسول فرستادن و نخل و سخاوت کردن خانه سوم دلیل است بر سطرزدین و انفع و یا فتن و منفعت از برادران و خواهران و اقربا و نقل و حرکت و تعبیر خواب و ابتدای تعلیم و حال نشا و رفتن بطرف دریاه و طرف خانه و چراغ خانه و احوال کوچه و سرک و حال مستقبل و احتلام شدن و شست و شو کردن و خیر کردن و خیر افر و خشن و انچه در رفتی و فتن و عبادت و آبادی مساجد و دایه و مدارس شود بیا و ابتدا و قضا و کار و احوال حایه و سازگارسی و نشین و دیدن خواب و روز و مصلحت کردن و از اعضا دست و ساعد خانه چهارم دلیل است بر خروج از مقام و نیکوئی و ملاک پیر و اسباب خوشنودی پیر و غیر غایب رفتن عاقبت سائل و عمر سائل و کو دوکان اطلب کردن و ذکر و فکر مردم و وطن و تعداد مردم آنجا نمودن و حال زمین و کار پوشیده و مقام و منزل سفر اول بود و حال سده و پستان و دو خوردن و احوال خانه و هر چه و بالا خانه و چاه و حوض و مجلس شای و فروتن ظروف خانه و جای خواب طرف گنجینه و حیوانات خانه و چند کس در خانه آیند و چند بمانند و چند درین شهر تولد شوند و خلل و کیل خانه پنجم دلیل است بر خیر از جانب وستان و فرزند و تحفه و هدایا و معشوق و خطر رسیدن اخبار و رسول فرستادن و لهو و لعب و عیش و عشرت و اکل و شراب شطرنج باختن و کارهای نهان و صورت زن و نیک است بیا و حالات منی سائل و تماشا و باغ و دعوت و مادگی و زنی فرزند و عجب خوردن کتاب خواندن و از اعضا شست و سینه و پستان خانه ششم دلیل است بر بیماری و خیر از جانب خدمتکاران و بندگان غلامان و گنجگان و چهار بایان و خرد و دشمنان و چاکران و شاگردان و زیردستان و محمد بند و ظلم و فسق و فجور و علم ریاضت

از اموات بروز حکم کند	از بنات حکم بر پهنه کند	از متولدات حکم بر ماه کند	از زوائد بسال
⋮ ÷ ⋮ ⋮	⋮ ÷ ⋮ ⋮	⋮ ÷ ⋮ ⋮	⋮ ÷ ⋮ ⋮

سعد اکبر خارج	سعد اکبر داخل	سعد ثابت	سعد اصغر خارج	سعد اصغر داخل
⚊ ⚊	⚊ ⚊ ⚊	⚊	x	
نخس اکبر خارج	نخس اکبر داخل	نخس ثابت	نخس اصغر خارج	نخس اصغر داخل
⚊ ⚊	⚊ ⚊	⚊	+	+
نخس اکبر متقلب	نخس اصغر متقلب	ممتزج	سعد اصغر متقلب	سعد اکبر متقلب
⚊	⚊	⚊ ⚊	⋮	+

آفتاب	مشتري	عطارد	زهره	مرس	زحل	اراس	ذنب	مرنج
☿	♄	☿	♀	♁	♄	♁	♄	♄
سعد اند	سعد الکبر	ممتزج	سعد صغر	سعد	نخل اکبر	نخل	نخل	نخل اصغر

خانه اول مشرب است بر طالع سائل و تن و جان و گویائی و خاموشی و سر و عقل و شگون
برابتندی کار بر او طالع بصحت و سلامتی سائل بر نفس و روح و سعادت نفس و یافتن کام و مراد و
بزرگان و صاحبت بسیاری و قضا و جزا و مزاج و کیفیت مزاج و اخلاط پاک و نا پاک بدن
در رسیدن رنج و شادی و لاغری و ذیوبی و ضمیر عوارض بدن و سوال مباشرت و معلوم کردن عالم
و باطن و بدی سفر و احوال صدق و کذب حدانقرو بصیر و حواس ظاهر و حالت برخواستن وقت سحر

و کاشادگی بخت دختران و شتاکش نام او و زرا و شقای بسیار و کیفیت بحری و طوفان و برآمدن زخم
 و رسیدن بوصول و خانه همان از اعضا زانو و پایی راست خانه و دوازدهم دلیل است بر خیر و
 سعادت طالع دشمن و خوف از جانب دشمن بدی و از دست دادن چهار پایی و بند و زندان و کج و چنان
 عیش و رزق خواستن و تمت و دو شام و مقر و محض شدن و بیماری قدیم و جنگ و قتل و خانه مرضی و دو چاه
 افتادن و زن غلام و مرگ فرزندی و روزگار برادر و سفر پدر و مقبره و افتادن از منصب کفتر و حضرت
 پاپوش و از اعضا پایی چپ و پایی برهنه خانه سیزدهم دلیل است بر سفر و حرکت از جانب بزرگان
 و این خانه را طالب خوانند و این خانه را طالع بطبع خانه اول است و شاهد است بر خانه اول و حکم
 دارد و سلامتی از این خانه و حال معلوم کردن کشف و کرامت و اینکه دعا مستجاب شود یا نه و حقیقت
 ضمیر و امید بر آمدن و روزگار پدر و جاهد و مراتب پدر و سفر فرزندان و مرگ غلامان و کنیزکان و
 برادران را دوست و پدر مادر و خانه مادر و استاد و مرشد و از اعضا زانو و گواه اول و پنجم و نهم
 خانه چهارم دلیل است بر حصول مراد از سفر و خروج و حاصل شدن طلب و بزرگان از بیگانه یا
 مطلوب خوانند و دلیل است بر آنکه سائل و طالب مطلوبی دارد آن حاصل خواهد شد یا نه بطبع خانه
 دهم است و گواه اول و گواه دوم و پنجم و این خانه منسوب به دوازده امام و چهارده معصوم است
 و از اعضا ساق خانه پانزدهم دلیل است که خبر دهد بر خانه و این خانه میزان رمل است و قاضی
 رمل خوانند و او حکم کند و نقطه از این خانه را تند و بطبع هفتم است و احوال عالم ازین گویند از خیر و شر و
 جمیع امور و انتهای ماه و مرضی حالت وصال مطلوب با جماع ضمیر کل را بجز معلوم کردن نصیب قسمت و
 طریق او و گواه هفتم و سوم و یازدهم خانه شانزدهم دلیل است بر سلامتی عاقبت و این خانه را
 خیر العاقبت گویند و بطبع خانه چهارم دهم است و سخن گفتن کجی و عاقبت جمیع کار و مهمات و عاقبت عمو
 حکیم ضمیر و ترک طلب آخر کار و انجام هر امور و گواه چهارم دهم و دوازدهم این است منسوب است شانزدهم خانه

طریق احکام گفتن خانه ها
پس هر خانه ازین خانه با که ذکر رفت اگر شکل سعد نشیند حکم بر سعادت منسوب است آن بود و اگر شکل

و حال زن حامله و سر پوشیده شود و بانه و آفت سماوی بویستند کشادن مرد و غل شکم و گرسنگی و دلیری می قوت
 ماسکه و جاذبه و حالت زنان که سنو هرگز نشسته یا زن گذشته و از اعضای شکم خانه به بطن شکم دلیل است
 بر عقد زن صاحب نکاح در آوردن اما از خصمان هم بود و غائب روی بمقام دارد و در دود و دهنه و منعی
 که بیان موضع سفر خواهد کرد و در جبهه شمی کوچک انبازی و ماده گاو و کار خیر میدان و شریک ذات و زو و شب
 و سفر و خانه مطلوب زدا و هر مردج خانه تحت و کسوف خسوف و باران باد و زلزله و صاعقه و بیماری
 و قرض داده بدست آید یا نه و حامله کدام روز شده و حامله منافق و صلح داد یا و بهر دن امانت و شکل
 قاسق و حال صاحب و قات و کلم زن قول کردن و غرق کشی خانه به ششم دلیل است بر خوف و ترس
 از جانب دشمنان مرگ و گفتگوی حبت میراث بان و بیت المال زنان و عانیان بدین زن خوف و ترس
 و سفر و تمت مال سر و قرض و درازی و کوتاهی عمر و ملک اسباب بگر بدست آید و خانه مال و زود مال بخانه
 مال زن است و حال جنگ عیال و غنائم فاقه و ماتم و منزله و زهر خوردن احوال عقد و بغم و وقت نزع و
 و کان قصاص و یکدان و سوختن میت و احوال آینده زمان از اعضا و رحم و شانه خانه به ششم دلیل است
 بر سفر و سفر دریا و با فائده و غیر خوشی و تقوی و زهد و اعتقاد درست و خواب راحت دیدن و علم دین و
 عبادت و تعمیر خواب عقد و نکاح و عشق معشوق و فصاحت و بلاغت و پاکی و ناپاکی مرد و زن
 و خانه عقل و افسون خواندن و خطبه نکاح و حال راست و دروغ و قسم خوردن و از اعضا پشت
 و پهلو خانه به ششم دلیل است بر باد شاه و عمل و جاه و دولت و بخت و سعادت و صاحب و مادر و برادر و فقر
 مراد سلاطین و حکام و قضات و در زیاده و جاه به منصب منزلت خرمی از مادر و شغل و عمل سلطان و تقرب
 و مدار و لو و طلبی کرمی کردن حال سماوی و مقام بلند و مرض و زنده و خانه موت برادران و خواهران
 و از اعضا جگر و دل و طبیب و جاه و مرتبه و حال آفتاب و ماه تاب و در عدد برق و خانه به مقام و زردان
 و سخن خانه و خانه محسوب خانه یا زرد به ششم دلیل است بر خیر و سعادت و منفعت باد و سستی و علما و اشرف
 و امید و درستان و عیال حقیقی و بدین آید از غم و حصول مراد و نزدیکیان و مقربان سلاطین و
 جامه و قیل و اسب و خانه باد شاه و وزیر و آمر او خوشدلی و مرض و کنیزک و مرگ پدر و معشوق زن

طالع مقارنه تثلیث حصه تربیع ص تثلیثا تسدیس حصه مقابل طالع ساقط

تثلیث حصه سوم شاد و نند الوتد شاد و نند الوتد

تربیع شاد و نند الوتد

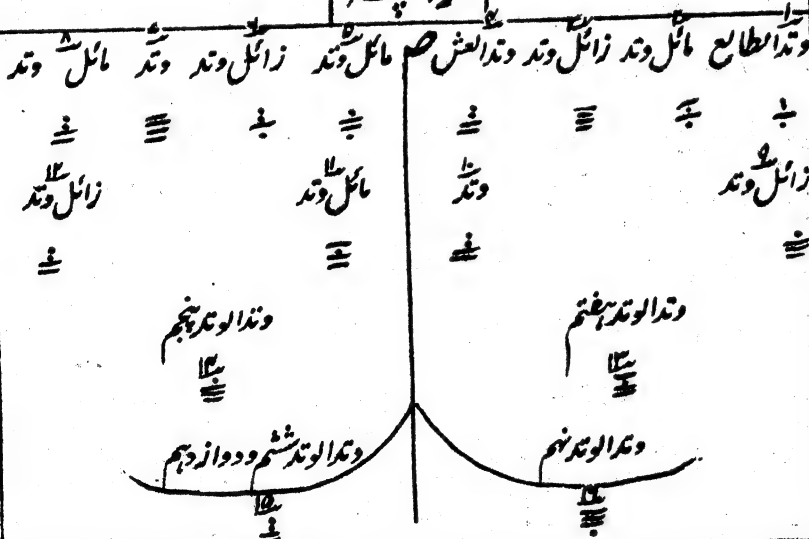
تثلیث حصه چهارم ساقط و مقابلیه قابل شاد و نند الوتد

نخس نشینند حکم بر نخوست و زحمت فسوبات آن بود و اگر متوسط نشینند حکم بر متوسط کند و شکل داخل
دلیل دخول بود و خارج دلیل خروج بود و منقلب دلیل انقلاب و تردد خاطر و ثابت دلیل ثبوت
و توقف است و شرح اشکال بعد و نخس داخل و خارج و ثابت و منقلب هر یک بجای خود خواهد آمد

در بیان اوتاد رمل

بدانکه از شانزده شکل رمل چهار خانه را دهند گویند چهار خانه دیگر را مائل الوند و چهار خانه دیگر را زائل الوند
و چهار خانه دیگر را زواید و مشاهد رمل گویند و تدا الوند نیز گویند اما و تدا خانه اول و چهارم هفتم
و دهم است مائل الوند و تدا و پنجم و ششم و نهم و دوازدهم است و زائل الوند سوم و ششم و نهم و دوازدهم
است و خانه اول را و تدا الطالع و و تدا اول میگویند و خانه هفتم را دند سونم و و تدا المغرب میگویند
و خانه دهم را و تدا و خانه چهارم را و تدا العشر میگویند و آن خانه های چهار گانه که و تدا الوند میگویند بمنزله
گواه اند بر چهار و تدا چنانچه خانه سیزدهم و تدا الوند هفتم است و خانه شانزدهم و تدا الوند نهم یعنی خانه سیزدهم
گواهی میدهد بر احتمال خانه اول بر غیر و شتر و داخل و خارج و ثابت و منقلب و بعد و نخس بدین مثال

ز انچه



در بیان شواهد رمل

طوسی گفته است خمس اگر چه از سعد اصغر است دیگر در طالع قوت تمام دارد اگر چه خمس است چرا که مالک خانه
 هفتم است از دانه سکن که وند الوند خانه اول است دیگر اگر سائل پرسد که احوال من حالانیک است یا پیش
 ازین نیک بوده یا بعد ازین خواهد شد باید که حال سائل را از خانه اول حکم کند و از سعد سعادت و از خمس
 نخست و احوال ماضی یعنی حال گذشته که پیش ازین بوده است از خانه دوم حکم کند از سعد و خمس که شکل
 نشسته باشد به احوال مستقبل یعنی حال آینده که بعد ازین خواهد شد از خانه دوم حکم کند از سعد سعادت
 و از خمس نخست به حال بهرین قیاس دیگر در طالع هر که شکل سعد آید به سعادت حال سائل حکم کند از خمس
 نخست حکم کند و اگر در طالع شکل ثابت آید سائل متفکر و متردد بود و رکازی و اگر منقلب آید سائل متردد و متفکر
 بود و رکازی و اگر پرسند که این تردد و فکر از چه باشد پس نظر کند که شکل اول در کدام خانه تکرار کرده حکم از
 منسوبات آن خانه کند مثلاً اگر در خانه دوم تکرار کرده باشد پس گوید که بخت مال است و اگر در خانه
 سوم تکرار کرده حکم کند از برادران و اقربا بهرین قیاس حکم کند

طریق احکام بیت دوم مل

اگر کسی سوال از مال کند نظر کند در خانه دوم اگر شکل سعد داخل بود حکم بر زیادتی مال کند از سعد بیاسانی
 و از خمس بهر شوری و اگر شکل خارج باشد دلالت بر خروج مال کند از سعد باختیار و از خمس بهر اختیار
 تلفت شود و یاد و زبرد دیانی اختیار یکس دهد و اگر درین خانه شکل ثابت بود کیسه گاه آنکس یک تار باشد
 و اگر شکل منقلب بود دخل و خرج برابر باشد اگر مال سائل پیش ازین بسیار بوده باشد و این مان
 بسیار است یا بعد ازین بسیار خواهد شد این همه حال را پرسد پس نظر کند در خانه دوم اگر
 شکل داخل سعد بود گوید که این زمان مال زیاده است و حکم ماضی یعنی گذشته او از خانه اول گوید
 اگر در خانه اول شکل خارج بود پس حکم کند که پیش ازین مال کم بوده است و مستقبل یعنی آینده که بعد ازین
 خواهد آمد از خانه سوم گوید اگر درین خانه شکل خارج باشد گوید که بعد ازین مال کم شود و اگر شکل داخل بود
 پس گوید که بعد ازین مال زیاده شود اگر پرسند که هفتشینان در رد و کوفی باشند یا نه اگر در خانه دوم شکل ثابت بود
 گوید که هفتشینان در رد و کوفی باشند اگر شکل منقلب بود پس گوید که دوستان در رد و کوفی ثابت قدم باشند

عرض درو افشنگه ایان این است که چون از برای هر رفتی که رمل کشیده باشند به میند که نسبت با چه چیز است
و آن چیز یکدم خانه منسوب است پس در آن خانه میند که چه شکل نشسته است و دلالت چه میکند و گویا آن
چه گویای میند بند از داخل و خارج و حصول مراد یا عدم حصول مراد اگر گویای دهند بر حصول مراد یا بد
گفت که مراد حاصل خواهد شد و اگر گویا آن بر عدم حصول مراد یا بد دهند باید گفت که مراد تو حاصل نخواهد شد
و اگر گویا آن برابر باشند معنی از دوازده گواهش به مقصود و شش بر غیر مقصود گویای دهند نظر کند چپا را خانه
مشواید و اگر درین خانه اکثر بر آمدن مقصود گویای دهند پس حکم بر آن کند و اگر درین خانه برابر باشند
پس خانه سیزدهم را با پانزدهم ضرب کند و شکلی بر آرد و ازین هر دو شکلی ضرب کرده شکلی بر آرد و آن شکلی را
با طالع ضرب کند و شکلی بر آرد و از این میند که دلالت چه میکند بر حصول و غیر حصول پس عمل نماید بر آن گواه
اقر به دو دم و ثنلیت او ششم و در مع او چهارم و ثنلیت او پنجم مقابل او هفتم به برین قیاس مثلاً اگر سوال بود
از خانه دوم حکم کند یا بنظر نی که گواه اوست خانه ششم که دو دم اوست و ثنلیت او خانه چهارم که سه دم
اوست و در مع او پنجم که چهارم اوست و ثنلیت او خانه ششم که پنجم اوست و مقابل او خانه هفتم
که هفتم اوست به برین قیاس ضمیر کنند بدانکه حکم رمل از اول تا بدوازدهم است و نیز در مع چهاردهم
و پانزدهم در سیر نیاید چرا که سیر بدوازدهم بروج است و الله اعلم بالصواب

سعد باشد تغییر خواب نیکو بود و اگر نخس باشد بد بود و از منقلب نه نیک نه بد بود

طریق احکام بیت چهارم رمل

اگر سوال از ملک و مقام بود که در دست باقی ماند یا نه پس نظر کند در خانه چهارم اگر شکل داخل سعد باشد ملک در دست ماند و فائده رسد و اگر ثابت بود نیز بدست ماند و اگر خارج باشد ملک و اسباب از دست برود و اگر منقلب باشد از دست برود و باز بدست آید و یا بعضی در دست ماند و بعضی برود و اگر پرسند که درین شهر بودن خوب است اگر شکل چهارم سعد داخل و خارج باشد غم و اندوه رسد اگر سوال از مقام شستن بود اگر درین خانه شکل سعد بود دلالت کند بر مبارکی آن مقام و اگر داخل سعد بود در آن مقام فائده بسیار رسد و اگر سعد خارج بود مقام نیکو اما فائده کمتر رسد و اگر نخس داخل بود یا ثابت همیشه از تردد و تشویش خالی نباشد و از آن مقام ثابت باشد و اگر احوال پدر رسد دلالت بر خوشحالی کند و اگر سعد خارج باشد از شهر بدر رفته یا برود و اگر پرسند در جای چیزی نهاده بودم برجا باشد یا نه پس نظر کن در خانه چهارم اگر شکل داخل یا ثابت بود و گویا آن نیز داخل و ثابت باشد آن چیز آنجا باشد و اگر شکل خارج و منقلب بود دلالت کند بر تلف شدن مال و آن چیز و اگر سوال از حقیقه بود استخراج بر مشائات است یعنی شکل اول در تخم ضرب کند تخم ضرب کند و از تولد حکم بجای کند و بنسبوات آن شکل بجای گوید و از نقطه نیز حکم کند اگر نقطه در خاک رسد خاکی بود و اگر در باد باشد بادی بود و اگر آتش سدا آتشی بود و اگر آب سدا آبی بود و اگر سوال از دین بود و اگر شخص خجری در جای دفن کرده است و فراموش ساخته و پرسد که آن دین کجاست پس آنجا که گمان باشد خطا مرجع کشند و در میان آن مرجع دو خط دیگر کشد بطرقی که چهار خانه شود یک خانه بجانب مشرق و یک خانه بجانب مغرب و یک بجانب شمال و یک خانه جنوب به صورت نقشه چهار قسمت پس در میان مرجع نشیند باین نیت رمل کشد که دین در کدام جانب است

مشرق	شمال
وسط	وسط
جنوب	مغرب

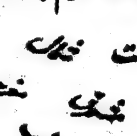
و نظر کند در خانه چهارم که چه شکل نشسته پس اگر شکل آتشی بود بجانب مشرق باشد و اگر شکل بادی بود بجانب مغرب بود و اگر شکل آبی بود بجانب





اگر شکل داخل بود پس دوسنی محبت زیاده کرد اگر شکل خارج بود در میان ایشان جدائی بود اگر سوال از دوست نؤ کند از خانه های جمله رمل نقطه فرج جمع کند بعد از آن چهارگان طرح دهد اگر یک باقی ماند و شش بود و اگر دو ماند دوسنی ماند و اگر سه ماند ظاهر دوست باطن دشمن بود و اگر چهار ماند در محبت ایشان خیر نباشد اگر سوال از ستاع فروختن بود که فروخته شود یا نه چون نیت کرده رمل زنده و نظر کند در خانه دوم اگر شکل خارج باشد فروخته نشود اما باز کرد اگر پرسد که این کار که میکنم بهتر است یا دیگری کنم کدام بهتر باشد بداند که شکل دوم از آن کار است که میکند و شکل چهارم بد دیگری که نیت دارد سعد سعادت و از آن سخن نخست اگر پسند کاری که میکنم حاصلت باشد یا نه چون رمل زده باشی از اول و نهم ضرب کرده از نولدان گوید اگر سعد باشد بکند و اگر نخس باشد نکند و اگر پرسد که کدام کار بهتر است هم از مضوبات آن شکل گوید اگر بر چهل منسوب بود زراعت و عمارت بهتر باشد و اگر بیشتر منسوب بود تحصیل علم و تجارت بهتر بود و اگر بر پنج منسوب بود سپاهگیری و ترکش بندی و آتش بازی و زرگری و آهنگری و فرمانبری و قضایی و سلج گری بهتر بود و اگر بشش منسوب بود به ملک رانی و آنچه متابعت پادشاه است بهتر باشد و اگر بر نهم منسوب بود کار طرب عیش و نگاه داشتن نقاشی بهتر بود و اگر بطار و منسوب بود دبیری و کتابت گری و نجوم و کیمیاگری و تعویذ داشتن بهتر بود و اگر بقر منسوب بود کارهای آب و دریا بهتر بود

طریق احکام بیت سوم رمل

اگر سوال از برادران و خواهران و خویشان بود از خانه سوم حکم کند اگر درین خانه شکل سعد باشد داخل بود حکم بر سعادت احوال برادران موافق بود و فائده از ایشان برسد و اگر سعد خارج بود دلالت کند بر خوشحالی ایشان اما فائده کم رسد اگر نخس داخل بود دلالت بر بد حالی برادران کند اما موافق باشد اگر سائل پرسد که برادران چیزی در دست دارند یا نه از چهارم گوید که کیسگاه است اگر ثابت بود با شکل داخل باشد مال دارند و اگر خارج یا منقلب باشد گوید که هیچ ندارند و اگر پرسند که سفر نزدیک شود یا نه پس نظر کن در خانه سوم اگر خارج باشد و گویان نیز خارج باشند گوید که رفتن شود از سعد اختیار و از نخس اختیار و اگر داخل یا ثابت بود رفتن نشود اما باز گفته آید اگر سوال از تعبیر خواب بود بیند و در خانه سوم اگر شکل

حامله نباشد اگر سوال کند زن حامله پسر زاید یا دختر نظر کن در خانه پنجم اگر شکل خارج باشد و نیز گویان
خارج باشند پسر زاید و اگر داخل باشند گویان نیز داخل بودند دختر زاید و اگر پسر گویان حامله آسان
باشد نظر کند در خانه ششم اگر خارج باشد آسان زاید و اگر داخل باشد بدشواری اما باک نبود اما از نخس
خوف و خطر باشد اگر سوال کند این پسر زاید یا دختر از متولد چه پنجم و ششم گوید اگر شکل داخل و ثابت بود حکم کند
برشیدن دختر اگر سخن باشد پنجم بود دیگر شکل یازدهم را با پنجم ضرب کند و از تولد آن حکم کند اگر تولدش شکل مذکر باشد
حکم پسر کند و اگر مؤنث باشد حکم بدختر کند اگر سوال کند کدام وقت فرزند شود کدام روز پس نظر کن
در خانه اول که طالع است و در آن خانه چه شکل نشسته است از مضوبات شکل اول گوید اگر پسرند یکدوم
ساعت برآید نظر کن که شکل لیحان در کدام خانه است اگر در طالع اول بود پس گوید که اول ساعت روز و
اگر در خانه پنجم باشد دوم ساعت و اگر در ششم بود در سوم ساعت روز حکم کند و اگر در چهارم بود در
چهارم ساعت حکم کند هم برین قیاس خانه های دیگر را حکم کند اگر پسرند یکشب زاید یا روز اگر در طالع
شکل مذکر بود بر روز زاید و اگر شکل مؤنث بود شب زاید دیگر آنکه اگر روز زاید آن یکشب پسر و نگاه کند
در اول و چهارم و پنجم و ششم و یازدهم اگر در بین خانه ها اشکال لیلی نکار کنند یکشب زاید و اگر
اشکال که به نهار منسوب اند نکار کنند بر روز زاید و اشکال که به لیل و نهار منسوب اند اینست

همانند جیب باشد معلوم شد که آنجا نه دفین است آنجا را هم نیز چهار قسمت کند بطریقی که نموده شد
و هر جای که تقسیم رسد آنجا را کاود و فرقه طول و عرض و عمق آن نیز از آن شکل حکم کند و دیگر در جستن
دفین کیفیت آن در موضع که گمان کنند بر مل باید کشید بر آن نیت و چهارم و ششم آن رمل
باید دید اگر داخل باشد دفین باشد هر دو را با یکدیگر ضرب کند اگر نتیجه داخل باشد دفین باشد
و اگر این شکل خارج باشد دفین نیست و ثابت سعد است و ثابت نحس نیست و منقلب بعضی
و بعضی نیست و چون معلوم شد که دفین است آن موضع را چهار قسمت کند برین صورت چنانکه
نموده شده اینست  پس نظر کند در چهارم خانه که چه شکل آمده و بکدام جانب تعلق
دارد پس نگاه کند در سوم که گواه بردست راست و چپ
دفین و دهم بر قبله چون یک نوبت این عمل کرد باز آنجا که طرح بدو رسد چهار قسمت کند و همین عمل کند
و نیت به هر بار یا پنج باید برای آسانی او کند و اشکال جهات این است

اشکال شرقی	اشکال مغربی	اشکال شمالی	اشکال جنوبی
			

اگر آن شکل که دلیل دفین است بشکل آتشی پیوسته باشد آن دفین نزدیک آتش است و اگر بیادست
پیوسته باشد آن دفین در سقف خانه بود و اگر به آبی پیوسته باشد نزدیک آب بود و اگر بخاک پیوسته باشد
آن دفین در زمین باشد

طریق احکام بیت پنجم رمل

اگر سوالی از حال فرزند بود نظر کن در خانه پنجم اگر شکل سعد باشد به سعادت حکم کند و اگر نحس به نحس
حال فرزند و از داخل و خارج چنانچه گفته شد حکم کند و اگر سوال کند که این زن را فرزند شود یا نه نظر کند
اگر او پنجاه اگر شکل داخل باشد و گویا بان نیز داخل باشد و یا ثابت سعد بود دلالت کند بر شدن فرزند
و اگر خارج و منقلب باشد و گویا بان نیز خارج و منقلب باشد پس حکم کند بر نداشتن فرزند و اگر سوال کند
زن حامله شد یا نه نظر کن در خانه ششم اگر شکل داخل و یا ثابت بود آن زن حامله باشد و اگر خارج و منقلب باشد

که چه کس باشد که خبر یار و از منسوبات شکل پنجم گوید اگر پسند که در چندگاه خبر برسد از عدد شکل پنجم
تا خط نبود و شکلی که در پنجم نشسته پنجم عدد دارد بگوید

طریق احکام بیت ششم رمل

اگر سوال کند از برای رنج و حامله از هر که باشد نظر کند در خانه ششم و دو از دهم از شکل آتشی بود رنج
از صفر بود و اگر شکل بادی بود رنج از خوف بود و اگر شکل آبی بود رنج از بلغم بود و اگر شکل خاکی بود رنج
از سود بود و اگر پسند از چه سبب بیمار شده پس نظر کن در خانه ششم اگر ازین شکل باشد ۱
لحمان و یا ۲ عتبه الداخل در دسر و صفر بود و اگر این شکل باشد ۳ قبض الداخل و در همین
و باد بود و اگر این شکل بود ۴ قبض الخارج از گرمی بود و اگر این شکل باشد ۵ فرج از صفر و غلبه خون
و یا از عشق باشد و با سبب زیان بود و اگر این شکل بود ۶ اجتماع زحمت اندوز نباشد و با سبب
و جاد بود و اگر این شکل بود ۷ انگیس وضع حل بود و باند ریشه و خوف بود و اگر این شکل بود ۸
بیاض زیادتی بلغم و سرفه بود و اگر این شکل بود ۹ حمه از خوف و دق و غصه و یا باد بود و در معده
رطوبت بود و یا از اسقاط حاصل و اگر این شکل بود ۱۰ نصرة الخارج از صفر و نیز خلل کرد بیان بریان بود
و اگر این شکل بود ۱۱ نفی از سیر دریا بود و اشکال آنچه که بر مرض متعلق اند نیست

۱	لحمان	۲	قبض الداخل	۳	قبض الخارج	۴	جماعت
۵	شب صفر و در دسر	۶	در زانو و پای	۷	تپ بکوزه و در دومت	۸	قبض خاطر و شدت
۹	فرج	۱۰	عقله	۱۱	انگیس	۱۲	حمه
۱۳	در زمین و زکام و در چشم	۱۴	در زانو و پای و رطوبت	۱۵	رطوبت و در دپای چپ	۱۶	در شکم و اسقاط حمل چنین
۱۷	بیض	۱۸	نصرة الخارج	۱۹	نصرة الداخل	۲۰	عتبه الخارج
۲۱	در دکر و باد های سخت	۲۲	در خصیه و در دزه	۲۳	در زرنان و با سخت	۲۴	تپ مزمن و ضیق
۲۵	بقی الخد	۲۶	عتبه الداخل	۲۷	اجتماع	۲۸	طریق
۲۹	خون رفتن از شکم	۳۰	در دپای راست	۳۱	در پشت و شکم و آسب	۳۲	در دکر و اسهال کبد

بر فساد و بر بطالت و حکم کند و اگر سوال کند که رسول میفریبم بمقام مقصود سلامت رود یا نه پس نظر کن
در خانه پنجم اگر شکل سعد بود سلامت بود و اگر شکل نحس بود در و اگر در پنجم پنجم که خانه ششم است شکل
خارج بود از دست آن رسول چیزی تلف شود از سعد با اختیار و از نحس بی اختیار اگر پرسند که آن رسول
رفقه صادق القول باشد یا نه نظر کن در خانه پنجم اگر شکل داخل سعد بود یا خارج سعد صادق القول بود
و اگر نحس بود دروغ گو و کذاب باشد اگر سوال کند که خبر نیک خواهد بود یا نه پس نظر کن در پنجاه اگر شکل سعد
داخل بود حکم بر خبر نیک است اگر شکل سعد خارج باشد حکم بر خبرهای ناخوش اما راست نبود و اگر شکل
داخل نحس باشد حکم کند رسیدن خبر با بعضی راست و بعضی دروغ اگر پرسند که این مرد یا زن معشوق دارد
یا نه نظر کن در خانه پنجم اگر شکل داخل یا ثابت بود معشوق داشته باشد اگر شکل خارج بود ندارد
اگر منقلب بود حکم کند که پیش ازین داشت و الحال ترک داده و اگر پرسند که معشوق مهربان باشد
یا نه اگر در خانه پنجم شکل سعد داخل باشد مهربان باشد و اگر نحس بود خود را مهربان می نماید اما نباشد
و اگر شکل خارج بود محبت ندارد اگر سوال کند که پیش ازین داشته است یا نه پس نظر کن در خانه پنجم
اگر شکل داخل بود در خانه پنجم نیز داخل باشد گوید که پیش ازین معشوق بود و حالا نیز دارد و اگر
در سوم داخل بود در پنجم خارج پس گوید که پیش ازین داشت حالا ترک کرده و اگر در سوم خارج بود در
پنجم داخل پس گوید که پیش ازین نبوده است و حالا دارد و اگر پرسند که اوقات سائل بخوشحالی گذرد یا
بغم و اندوه نظر کن در خانه پنجم اگر شکل سعد باشد بخوشحالی گذرد و اگر نحس باشد بغم و اندوه گذرد و اگر سوال
کند که از غائب بدیه خبری رسد یا نه نظر کن در خانه پنجم اگر شکل سعد داخل باشد خبر برسد و اگر شکل
خارج بود خبر نرسد و منقلب و ثابت همین حکم دارد و اگر ازین شکله باشد ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰ ۱۰۰۱ ۱۰۰۲ ۱۰۰۳ ۱۰۰۴ ۱۰۰۵ ۱۰۰۶ ۱۰۰۷ ۱۰۰۸ ۱۰۰۹ ۱۰۱۰ ۱۰۱۱ ۱۰۱۲ ۱۰۱۳ ۱۰۱۴ ۱۰۱۵ ۱۰۱۶ ۱۰۱۷ ۱۰۱۸ ۱۰۱۹ ۱۰۲۰ ۱۰۲۱ ۱۰۲۲ ۱۰۲۳ ۱۰۲۴ ۱۰۲۵ ۱۰۲۶ ۱۰۲۷ ۱۰۲۸ ۱۰۲۹ ۱۰۳۰ ۱۰۳۱ ۱۰۳۲ ۱۰۳۳ ۱۰۳۴ ۱۰۳۵ ۱۰۳۶ ۱۰۳۷ ۱۰۳۸ ۱۰۳۹ ۱۰۴۰ ۱۰۴۱ ۱۰۴۲ ۱۰۴۳ ۱۰۴۴ ۱۰۴۵ ۱۰۴۶ ۱۰۴۷ ۱۰۴۸ ۱۰۴۹ ۱۰۵۰ ۱۰۵۱ ۱۰۵۲ ۱۰۵۳ ۱۰۵۴ ۱۰۵۵ ۱۰۵۶ ۱۰۵۷ ۱۰۵۸ ۱۰۵۹ ۱۰۶۰ ۱۰۶۱ ۱۰۶۲ ۱۰۶۳ ۱۰۶۴ ۱۰۶۵ ۱۰۶۶ ۱۰۶۷ ۱۰۶۸ ۱۰۶۹ ۱۰۷۰ ۱۰۷۱ ۱۰۷۲ ۱۰۷۳ ۱۰۷۴ ۱۰۷۵ ۱۰۷۶ ۱۰۷۷ ۱۰۷۸ ۱۰۷۹ ۱۰۸۰ ۱۰۸۱ ۱۰۸۲ ۱۰۸۳ ۱۰۸۴ ۱۰۸۵ ۱۰۸۶ ۱۰۸۷ ۱۰۸۸ ۱۰۸۹ ۱۰۹۰ ۱۰۹۱ ۱۰۹۲ ۱۰۹۳ ۱۰۹۴ ۱۰۹۵ ۱۰۹۶ ۱۰۹۷ ۱۰۹۸ ۱۰۹۹ ۱۱۰۰ ۱۱۰۱ ۱۱۰۲ ۱۱۰۳ ۱۱۰۴ ۱۱۰۵ ۱۱۰۶ ۱۱۰۷ ۱۱۰۸ ۱۱۰۹ ۱۱۱۰ ۱۱۱۱ ۱۱۱۲ ۱۱۱۳ ۱۱۱۴ ۱۱۱۵ ۱۱۱۶ ۱۱۱۷ ۱۱۱۸ ۱۱۱۹ ۱۱۲۰ ۱۱۲۱ ۱۱۲۲ ۱۱۲۳ ۱۱۲۴ ۱۱۲۵ ۱۱۲۶ ۱۱۲۷ ۱۱۲۸ ۱۱۲۹ ۱۱۳۰ ۱۱۳۱ ۱۱۳۲ ۱۱۳۳ ۱۱۳۴ ۱۱۳۵ ۱۱۳۶ ۱۱۳۷ ۱۱۳۸ ۱۱۳۹ ۱۱۴۰ ۱۱۴۱ ۱۱۴۲ ۱۱۴۳ ۱۱۴۴ ۱۱۴۵ ۱۱۴۶ ۱۱۴۷ ۱۱۴۸ ۱۱۴۹ ۱۱۵۰ ۱۱۵۱ ۱۱۵۲ ۱۱۵۳ ۱۱۵۴ ۱۱۵۵ ۱۱۵۶ ۱۱۵۷ ۱۱۵۸ ۱۱۵۹ ۱۱۶۰ ۱۱۶۱ ۱۱۶۲ ۱۱۶۳ ۱۱۶۴ ۱۱۶۵ ۱۱۶۶ ۱۱۶۷ ۱۱۶۸ ۱۱۶۹ ۱۱۷۰ ۱۱۷۱ ۱۱۷۲ ۱۱۷۳ ۱۱۷۴ ۱۱۷۵ ۱۱۷۶ ۱۱۷۷ ۱۱۷۸ ۱۱۷۹ ۱۱۸۰ ۱۱۸۱ ۱۱۸۲ ۱۱۸۳ ۱۱۸۴ ۱۱۸۵ ۱۱۸۶ ۱۱۸۷ ۱۱۸۸ ۱۱۸۹ ۱۱۹۰ ۱۱۹۱ ۱۱۹۲ ۱۱۹۳ ۱۱۹۴ ۱۱۹۵ ۱۱۹۶ ۱۱۹۷ ۱۱۹۸ ۱۱۹۹ ۱۲۰۰ ۱۲۰۱ ۱۲۰۲ ۱۲۰۳ ۱۲۰۴ ۱۲۰۵ ۱۲۰۶ ۱۲۰۷ ۱۲۰۸ ۱۲۰۹ ۱۲۱۰ ۱۲۱۱ ۱۲۱۲ ۱۲۱۳ ۱۲۱۴ ۱۲۱۵ ۱۲۱۶ ۱۲۱۷ ۱۲۱۸ ۱۲۱۹ ۱۲۲۰ ۱۲۲۱ ۱۲۲۲ ۱۲۲۳ ۱۲۲۴ ۱۲۲۵ ۱۲۲۶ ۱۲۲۷ ۱۲۲۸ ۱۲۲۹ ۱۲۳۰ ۱۲۳۱ ۱۲۳۲ ۱۲۳۳ ۱۲۳۴ ۱۲۳۵ ۱۲۳۶ ۱۲۳۷ ۱۲۳۸ ۱۲۳۹ ۱۲۴۰ ۱۲۴۱ ۱۲۴۲ ۱۲۴۳ ۱۲۴۴ ۱۲۴۵ ۱۲۴۶ ۱۲۴۷ ۱۲۴۸ ۱۲۴۹ ۱۲۵۰ ۱۲۵۱ ۱۲۵۲ ۱۲۵۳ ۱۲۵۴ ۱۲۵۵ ۱۲۵۶ ۱۲۵۷ ۱۲۵۸ ۱۲۵۹ ۱۲۶۰ ۱۲۶۱ ۱۲۶۲ ۱۲۶۳ ۱۲۶۴ ۱۲۶۵ ۱۲۶۶ ۱۲۶۷ ۱۲۶۸ ۱۲۶۹ ۱۲۷۰ ۱۲۷۱ ۱۲۷۲ ۱۲۷۳ ۱۲۷۴ ۱۲۷۵ ۱۲۷۶ ۱۲۷۷ ۱۲۷۸ ۱۲۷۹ ۱۲۸۰ ۱۲۸۱ ۱۲۸۲ ۱۲۸۳ ۱۲۸۴ ۱۲۸۵ ۱۲۸۶ ۱۲۸۷ ۱۲۸۸ ۱۲۸۹ ۱۲۹۰ ۱۲۹۱ ۱۲۹۲ ۱۲۹۳ ۱۲۹۴ ۱۲۹۵ ۱۲۹۶ ۱۲۹۷ ۱۲۹۸ ۱۲۹۹ ۱۳۰۰ ۱۳۰۱ ۱۳۰۲ ۱۳۰۳ ۱۳۰۴ ۱۳۰۵ ۱۳۰۶ ۱۳۰۷ ۱۳۰۸ ۱۳۰۹ ۱۳۱۰ ۱۳۱۱ ۱۳۱۲ ۱۳۱۳ ۱۳۱۴ ۱۳۱۵ ۱۳۱۶ ۱۳۱۷ ۱۳۱۸ ۱۳۱۹ ۱۳۲۰ ۱۳۲۱ ۱۳۲۲ ۱۳۲۳ ۱۳۲۴ ۱۳۲۵ ۱۳۲۶ ۱۳۲۷ ۱۳۲۸ ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ ۱۳۳۱ ۱۳۳۲ ۱۳۳۳ ۱۳۳۴ ۱۳۳۵ ۱۳۳۶ ۱۳۳۷ ۱۳۳۸ ۱۳۳۹ ۱۳۴۰ ۱۳۴۱ ۱۳۴۲ ۱۳۴۳ ۱۳۴۴ ۱۳۴۵ ۱۳۴۶ ۱۳۴۷ ۱۳۴۸ ۱۳۴۹ ۱۳۵۰ ۱۳۵۱ ۱۳۵۲ ۱۳۵۳ ۱۳۵۴ ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ ۱۳۵۷ ۱۳۵۸ ۱۳۵۹ ۱۳۶۰ ۱۳۶۱ ۱۳۶۲ ۱۳۶۳ ۱۳۶۴ ۱۳۶۵ ۱۳۶۶ ۱۳۶۷ ۱۳۶۸ ۱۳۶۹ ۱۳۷۰ ۱۳۷۱ ۱۳۷۲ ۱۳۷۳ ۱۳۷۴ ۱۳۷۵ ۱۳۷۶ ۱۳۷۷ ۱۳۷۸ ۱۳۷۹ ۱۳۸۰ ۱۳۸۱ ۱۳۸۲ ۱۳۸۳ ۱۳۸۴ ۱۳۸۵ ۱۳۸۶ ۱۳۸۷ ۱۳۸۸ ۱۳۸۹ ۱۳۹۰ ۱۳۹۱ ۱۳۹۲ ۱۳۹۳ ۱۳۹۴ ۱۳۹۵ ۱۳۹۶ ۱۳۹۷ ۱۳۹۸ ۱۳۹۹ ۱۴۰۰ ۱۴۰۱ ۱۴۰۲ ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ ۱۴۰۵ ۱۴۰۶ ۱۴۰۷ ۱۴۰۸ ۱۴۰۹ ۱۴۱۰ ۱۴۱۱ ۱۴۱۲ ۱۴۱۳ ۱۴۱۴ ۱۴۱۵ ۱۴۱۶ ۱۴۱۷ ۱۴۱۸ ۱۴۱۹ ۱۴۲۰ ۱۴۲۱ ۱۴۲۲ ۱۴۲۳ ۱۴۲۴ ۱۴۲۵ ۱۴۲۶ ۱۴۲۷ ۱۴۲۸ ۱۴۲۹ ۱۴۳۰ ۱۴۳۱ ۱۴۳۲ ۱۴۳۳ ۱۴۳۴ ۱۴۳۵ ۱۴۳۶ ۱۴۳۷ ۱۴۳۸ ۱۴۳۹ ۱۴۴۰ ۱۴۴۱ ۱۴۴۲ ۱۴۴۳ ۱۴۴۴ ۱۴۴۵ ۱۴۴۶ ۱۴۴۷ ۱۴۴۸ ۱۴۴۹ ۱۴۵۰ ۱۴۵۱ ۱۴۵۲ ۱۴۵۳ ۱۴۵۴ ۱۴۵۵ ۱۴۵۶ ۱۴۵۷ ۱۴۵۸ ۱۴۵۹ ۱۴۶۰ ۱۴۶۱ ۱۴۶۲ ۱۴۶۳ ۱۴۶۴ ۱۴۶۵ ۱۴۶۶ ۱۴۶۷ ۱۴۶۸ ۱۴۶۹ ۱۴۷۰ ۱۴۷۱ ۱۴۷۲ ۱۴۷۳ ۱۴۷۴ ۱۴۷۵ ۱۴۷۶ ۱۴۷۷ ۱۴۷۸ ۱۴۷۹ ۱۴۸۰ ۱۴۸۱ ۱۴۸۲ ۱۴۸۳ ۱۴۸۴ ۱۴۸۵ ۱۴۸۶ ۱۴۸۷ ۱۴۸۸ ۱۴۸۹ ۱۴۹۰ ۱۴۹۱ ۱۴۹۲ ۱۴۹۳ ۱۴۹۴ ۱۴۹۵ ۱۴۹۶ ۱۴۹۷ ۱۴۹۸ ۱۴۹۹ ۱۵۰۰ ۱۵۰۱ ۱۵۰۲ ۱۵۰۳ ۱۵۰۴ ۱۵۰۵ ۱۵۰۶ ۱۵۰۷ ۱۵۰۸ ۱۵۰۹ ۱۵۱۰ ۱۵۱۱ ۱۵۱۲ ۱۵۱۳ ۱۵۱۴ ۱۵۱۵ ۱۵۱۶ ۱۵۱۷ ۱۵۱۸ ۱۵۱۹ ۱۵۲۰ ۱۵۲۱ ۱۵۲۲ ۱۵۲۳ ۱۵۲۴ ۱۵۲۵ ۱۵۲۶ ۱۵۲۷ ۱۵۲۸ ۱۵۲۹ ۱۵۳۰ ۱۵۳۱ ۱۵۳۲ ۱۵۳۳ ۱۵۳۴ ۱۵۳۵ ۱۵۳۶ ۱۵۳۷ ۱۵۳۸ ۱۵۳۹ ۱۵۴۰ ۱۵۴۱ ۱۵۴۲ ۱۵۴۳ ۱۵۴۴ ۱۵۴۵ ۱۵۴۶ ۱۵۴۷ ۱۵۴۸ ۱۵۴۹ ۱۵۵۰ ۱۵۵۱

در شهر میاید و اگر پرسند که جانب کدام است پس نظر کن رخا^{۱۱}نه اگر شکل آتشی باشد جانب مشرق بود
و اگر شکل بادی بود جانب مغرب و اگر شکل آبی بود جانب شمال بود و اگر شکل خاکی بود جانب جنوب
و اگر از شهر رفته باشد پس نظر کن رخا^{۱۲}نه و از دهم که ششم^{۱۳} هفتم است اگر شکل آتشی است جانب مشرق
هم برین قیاس چنانکه بالا ذکر رفت از شکلهای دیگر گوید اگر پرسند که آن گنجینه در اینجا که هست با اختیار
خود است نظر کن رخا^{۱۴}نه و از دهم و نهم اگر شکل سعد بود با اختیار و اگر نحس بود بی اختیار هم برین قیاس
از مسو^{۱۵}بیت شکل گوید اگر پرسند که آن برده گنجینه در کجا است نظر کن رخا^{۱۶}نه نم که مقام شهر است بین کعبه
شکل است و بکدام طایفه مسو^{۱۷}ب است از اینجا حکم کند مثلاً رخا^{۱۸}نه نم بود گوید که در مساجد و صومعه و خانه بزازان
و طرافان سیادات و فضات اگر^{۱۹} بود گوید که در خانه بادشاه یا مردمی که پادشاهان و دیگرانند و مسو^{۲۰}بیت شکل مقام است
همه به همین قیاس

دیگر اگر پرسند که بیمار را خطر باشد یا نه نظر کن در خانه ششم و سوم و دوازدهم اگر از این شکلیا باشد خوش نیست
 و اینست $\text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I}$ و باقی شکلیا نیست و اگر در خانه ششم از این شکلیا باشد
 و اندر سو کرده اند $\text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I}$ و اگر از این باشد سو کرده اند اما محبت محبت $\text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I}$ و اگر
 از این شکلیا باشد نیز سو کرده اند $\text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I}$ و اگر از این شکلیا باشد و دشمنان چیزی کرده اند
 و هم بیقرار است و دیوانگی بود $\text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I} \text{I}$ و اگر پرسند که بیمار نیکو شود یا نه نظر کن در خانه ششم
 اگر شکل خارج باشد نیک باشد و اگر داخل یا ثابت در توقف و اگر منقلب باشد به شود اما باز
 بیمار افتد دیگر نقطه فرد از جمله مل بشمارد و بیند که آتش و باد زیاده است یا آب و خاک زیاده است
 اگر آتش و باد زیاده است بیمار صحت یابد و اگر آب و خاک زیاده است خطر بود دیگر اگر پرسند
 که بیمار خطر دارد یا نه پس شکل ششم در هشتم ضرب کند و چهارم را باد و از دهم و از این هر دو
 ضرب کرده شکل دیگر بر آرد اگر آن شکل سعد باشد خطر ندارد و اگر نحس باشد خطر دارد و اگر سو
 از برده خریدن بود گو سفند و چهار پایه در ششم خانه نظر کن اگر شکل سعد داخل بود بخوانده
 از آن خواهد رسید و وفادار خواهد شد اگر نحس داخل بود ثابت قدم باشد اما فائده کم رسد
 و از ثابت نیز همین حکم دارد و اگر شکل خارج باشد آن برده بناید خرید که از دست زود رود
 و اگر پرسند که این برده در خانه قدم ثابت دارد یا نه نظر کن در خانه ششم اگر شکل داخل سعد باشد
 و یا شکل ثابت سعد پس آن برده در خدمت ثابت قدم باشد و اگر خارج نه باشد و اگر منقلب
 و زود رفتن باشد و اگر از برده که بخت سوال کند که یافته شود یا نه نظر کن در خانه ششم و دهم اگر
 شکل داخل باشد آن که بخت زود بدست آید و اگر خارج بود یافته نشود و اگر ثابت بود در
 توقف است اما عاقبت یافته نشود و اگر ثابت بود در توقف است اما عاقبت یافته نشود و اگر منقلب
 آن که بخت پشیمان شود بیاید و اگر پرسند که با اختیار خود رفته باشد اگر خارج نحس باشد دیگر
 بد را بی داده بر آورده باشد و اگر پرسند که بخت در شهر است یا بیرون رفته پس نظر کن در خانه ششم
 که چهارم ششم است اگر شکل داخل باشد یا ثابت پس بدان که بخت در شهر نیست و از شهر بدر رفته است اما

که بعد از که خدائی در میان ایشان سازواری باشد بانه نظر کن در خانه اول به قسم اگر هر دو داخل
 باشند پس محبت و سازواری از هر دو جانب و اگر محض داخل بود آن که خدائی باقی بود اما محبت کم بود
 همیشه کینه و کدورت در دل داشته باشند و اگر یک خانه سعد و دیگری محض بود از سعد بر محبت و اعتقاد
 حکم کند و از محض نخست سعد با اختیار و محض بے اختیار اگر پرسند که بعد یافتن عروس چون بگذرد
 نظر کن در خانه به قسم اگر شکل سعد داخل بود دلیل بر خوشحالی بود و اگر سعد خارج نیز دلیل بر خوشحالی است
 اما فائده کم بود و اگر درین هر دو خانه اشکال خارج سعد بود حکم کند بر سعادت احوال ایشان اگر محض
 خارج بود حکم کند بر جدائی ایشان اگر در خانه به قسم نیز خارج بود در میان ایشان نکاح مانند و اگر در نشتم
 داخل بود و درین خانه با که اول به قسم است خارج بود نکاح باقی ماند اما سازواری نشود و اگر داخل
 خارج و در به قسم داخل بود پس از جانب خارج حکم سازواری کند و گیر گفته اند که سازواری و محبت
 از عناصر اربع حکم کند یعنی اگر خانه اول شکل آتشی بود و در خانه به قسم شکل بادی پس حکم کند که در میان
 ایشان سازواری بود چرا که آتش و باد محبت اند و دوستی بیشتر از جانب باد است و قوت آتش هم از
 جانب باد است اگر درین هر دو خانه یکی آتش و یکی باد بود پس در میان ایشان سازواری نبود چرا که آتش
 و آب ضد یکدیگر اند و دشمنی از جانب آب است اگر در خانه به قسم شکل آبی بود و در خانه دیگر خاکی بود در میان
 ایشان محبت بود چرا که آب و خاک دوست اند بیشتر دوستی از جانب آب است و اگر در یک خانه شکل بادی بود
 و در خانه دیگر خاکی بود پس در میان ایشان موافقت نبود چرا که باد و خاک دشمن یکدیگر اند و دشمنی از جانب
 باد است چون باد در حرکت آید خاک بر هم زده شود و لیکن خاک متخلل باد است و دیگر آتش و خاک دوست اند
 و نه دشمن باد و آب نیز همین حکم دارند و اگر احکام دوستی و دشمنی ایشان از خانه به قسم و نیز از بهر ملاحظاتی
 که درین خانه اگر شکل سعد داخل بود دلالت بر محبت و دوستی کند بانه اشکال بهرین قیاس حکم نماید
 و اگر پرسند که دوزن دارم از آن هر دو کدام محبت دارد بیدان که خانه چهارم به آن زن نخستین تعلقی
 دارد و خانه به قسم بآن حال اگر در خانه به قسم شکل سعد باشد گوید که زن حال موافق است و در چهارم
 محض باشد گوید که زن اول ناموافق است پس ازین هر دو خانه هر کدام سعد باشد سعادت گوید از محض نخست

۳۳ نقی الحد	۳۴ عقیبة الداخل	۳۵ اجتماع	۳۶ طریق
ابدا رخا و میخانه	دبلیز مکان و دروازه	طاقچه ایوان	آبریز مکان جای خروج
و اگر پرسد که این سر پوشیده مانند یانه نظر کن در خانه ششم اگر داخل بایستاید و پوشیده ماند و از خارج منقلب نخن فاش و منقلب نخن فاش گردد و اندا علم بالصواب			
طریق احکام بیت هفتم رمل نیست			
<p>اگر سوال از غائب بود نظر کن در هفتم اگر شکل سه بود حکم بر سعادت احوال گوید اگر نخن باشد بر نحوست حکم کند و اگر پرسد که غائب بایستاید یا نه نظر کن در خانه هفتم اگر شکل داخل بود و تکرار در ماضی کرده باشد دلالت بر آمدن غائب کند و اگر در هفتم داخل بود و در خانه دوم نیز داخل باشد غائب زود بیاید و اگر شکل هفتم خارج بود غائب از آن مقام بیرون آمده از سعد یا خیار و از نخن بی اختیار و اگر شکل هفتم در ماضی تکرار کرده باشد غائب بجانب طریقی بیاید و اگر تکرار در استقبال کند پس اندک آنظر نیاید بجانب دیگر رود و اگر دو جای سه جای تکرار کرده باشد در سه جای دیگر خواهد رفت و تکرار ماضی همین حکم دارد و اگر پرسد که غائب زنده است یا مرده اگر از این اشکال $\equiv \equiv \equiv$ در خانه هفتم آمده باشند و اندک مرده است و اگر اشکال دیگر اند زنده و سلامت است و بعضی گفته اند که اگر در خانه هفتم شکل آتش و بادی بود غائب زنده باشد و اگر آبی و خالی بود مرده باشد و اگر پرسد و غائب چیزی در دست دارد یا نه اگر خارج یا منقلب بود چیزی در دست ندارد و اگر داخل و ثابت باشد چیزی در دست دارد و اگر پرسد که غائب چه سبب مانده است اگر شکل هفتم در و تکرار کرده باشد بزدق خود مانده است اگر در ماضی تکرار کند بسبب دوست و یاری مانده باشد اگر در ساقط تکرار کند بسبب محبیل مانده باشد اگر پرسد که غائب در چند روز بیاید و یا خبر او بیاید از عدد و شکل هفتم گوید بحسب بروج و اگر سوال از کدخدائی بود نظر کن در خانه هفتم اگر شکل داخل بود و در خانه دوم نیز داخل در اموات پس حکم کند که آن نکاح کرده شود و اگر خارج باشد آن نکاح نشود و از ثابت در توقف افتد و از منقلب در کرده شود و آخر تر که کند دیگر از طالع و هفتم ضرب کند و از تولد آن حکم کند از داخل و خارج چنانچه سابق گفته شد و اگر پرسد</p>			

۳ = نصرة لداخل سفید مطلق	۱ = عتبه الخارج سرخ و سیاه	۲ = نفی الخمد کبود مطلق	۴ = عتبه الداخل میزائل قمری
	۵ = اجتماع آمیخته رنگ	۶ = طریق تاریک و سفید	

و اگر پرسند زن پارسا باشد یا فاسق باید که اشکال ششم و نهم را ضرب کند از قول آن بر منسوبیات
حکم کند اگر پرسند که طلاق در میان داده شود اگر داخل باشد طلاق داده نشود و اگر ثابت است در توقف
ماند و از نقابت و دور باشد دیگر اگر سوال کند که آن بکر است یا شکر کرده است و جوان یا پیر نظر کن در
خانه ششم اگر قبض الخارج و عتبه الخارج باشد پیر و بد شکل باشد و اگر فرج و جمجمه و عقده باشد بکر است باقی
تمام اشکال شود و اگر کسی سوال کند که فرج زن ضیق دارد یا نه نگاه کند در خانه چهارم و پنجم اگر بیاض
و طریق بودند فرج زن ضیق ندارد و طراوت دارد و اگر نقطه آتش و خال بود ضیق دارد دیگر اگر کسی
سوال کند که زن موی زبار دارد یا نه اگر بگوید موی زبار دارد و موی سر زن از خانه ۶ گوید چنانچه اگر
نفی باشد موی خرد باشد و اگر عقده بود گل یا داغ دارد و حالت قضیب و از خانه ۶ هفتم گوید و تنگی او از
ضرب ۳ گوید دیگر اگر کسی سوال کند که زن شوق محبت دارد یا نه اگر در خانه ۶ هفتم فرج بود زن شوق
محبت دارد و با شوهر و اگر ۴ عتبه الداخل در هفتم و چهارم باشد زن دوستی پوشیده خواهد کرد و اگر ۴
عتبه الداخل در هفتم و یا در دهم زن میل از زنان مثل مرد دارد دیگر اگر کسی پرسد که زن میل و شوق تماشا
و سیر دارد یا نه نگاه کند در هفتم اگر ۶ یا عتبه الداخل یا اجتماع ۵ باشد و در نهم نیز بودند زن میل
سیر و تماشا دارد دیگر اگر کسی پرسد که زن ناز و غره خواهد کرد یا نه در چهارم و پنجم اگر اجتماع بود زن ناز
بکند و اغماز بسیار دارد اما بدل دوست است اگر کسی سده که از زن من قوی ام یا ضعیف نگاه کند در
چهارم اگر شکل قوی باشد مرد قوی است اگر هفتم قوی است زن قوی است مرد ضعیف اگر کسی حالت جماع
پرسد نگاه کند در چهارم اگر شکل یک نقطه دارد یک مرتبه جماع کرده یا کند و اگر دو نقطه دارد دو مرتبه و اگر
سه نقطه دارد سه مرتبه و اگر چهار نقطه دارد چهار مرتبه جماع کرده است یا بکند و الله اعلم بالصواب

و اگر پرسند که زن از کدام قوم است از منسوبات شکل دهم گوید چون در خانه که خانه ذات و حسب زن است که از هفتم چهارم میشود شکل سعد باشد زن صحیح النسب باشد و اگر غرض باشد از قوم اشرف نباشد و به بیند که در دهم که چه شکل نشسته و بکدام قوم منسوب است بران حکم کند مثلاً لیان باشد از قوم سادات باشد و منسوبات اشکال از قوم از جده ل بنید اینست

لیان	قبض الداخل	قبض الخارج	جماعت
قضاات و سادات	اشراف و تاج و حراف	مردم سفر و مفید	بطال و ذوق و فنون شریف
فرح	عقله	انگیس	حمره
مسخه و از قوم مغنی	غلام سیاه و کنیز و رذیل	فاجره و غلام سیاه بد قوم	جراح و قصاب
بیاض	فصرت الخارج	فصرت الداخل	عتبه الخارج
زنانه و شریفین	بادشاه و سردار	وزیر و نائب شاه	رذیل و بد قوم
نقی الخد	عتبه الداخل	اجتماع	طریق
لشکری و سپاهی	مطرب و مغنی	صباغ منشی نقاش بنجم	رسول و گاو در دروغ گو

دیگر اگر پرسند که زن خوبصورت است یا زشت رویه بیند در خانه هفتم برل اگر شکلیکه بر آتش منسوب است نشیند زن خوبصورت و تندخو باشد و اگر بادی باشد زن طبع رنگ د و متدار باشد و اگر آبی بود زن نه خوبصورت بود و نه بد شکل باشد و اگر خاکی بود سیاه فام و بد شکل باشد و اگر از منسوبات شکل خانه هفتم دیده بگوید اگر لیان باشد سرخ و سفید رنگ باشد و رنگ اشکال بد بگونه است

لیان	قبض الداخل	قبض الخارج	جماعت	فرح
سرخ و سفید	طبع رنگ	سبز و سفید	رنگارنگ مائل سفید	سبز مطلق
عقله	انگیس	حمره	بیاض	نصرة الخارج
سیاه مطلق	سیاه مائل سفید	سرخ مطلق	سفید و سیاه	زرد مطلق

اول را با ششم ضرب کند و شکل بیرون آورد آن شکل متولد را به بیند که کدام جان نشسته و چه خاصیت دارد اگر خارج است حکم بر خفون نشدن و اگر داخل است حکم بر خفون شدن میکند و هر جا که نشسته است آتخانه را آنچه منسوب است اند بهین و بهیبت خفون و خطا است دیگر اگر کسی سوال کند که مرگ من کی بود و کدام وجه بود پس به بیند در خانه چهارم که خانه عمر سائل است اگر آتخانه اشکال بلادی بودند دلیل درازی عمر است و اگر خاکی بودند دلیل چشمت و پیری و مرض است و از آبی و آتشی حکم به مرگ مفاجات کند و دیگر آنکه اعداد شکل چهارم بحساب ائره بزج جمع نموده بهین که شکل چهارم کجا مکر شده عدد آتخانه و عدد شکل آتخانه هم جمع نماید و عدد شکل طالع و تکرار را ملا خط کند و کجا نماید و آنرا شانزده گانه طرح نماید آنچه که باقی ماند بر خانه های را آنچه قسمت کند هر جا که بر سه آتخانه را به بیند که کدام شکل نشسته و آنجا چه عدد دارد بحساب ائره از امهات بروز حکم کند و از متولدات بر ماه با و از نبات بر هفت ماه و از زوایدات بر سالها حکم کند دیگر آنکه به بیند که در طالع سائل کدام شکل نشسته هر شکلی که در طالع آمده آن از ائره بزج مالک که ام خانه است و کجا سکن است و از سکن خج چند خانه طی نموده در اول آن پس آتخانه بار که او طی نموده است از ذات او کم نماید آنچه که باقی ماند بر آن حکم کند مثلاً علی زودیم برای سائل بر سوال او که عمر من چند روز و ماه و سال است بدین مثال نیست

طالع سائل دوم سوم عمر سائل				چشم ششم هفتم مرگ سائل			
≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡
۲۵	۳	۵	۸	۱۲	۱۴	۲۳	۳۰
نیم	دوم	دوم	دوم	یازدهم	چهاردهم	دوازدهم	دوازدهم
≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡	≡
شانزدهم				پانزدهم			

طریق احکام بیت هشتم رمل

اگر سوال سائل از منسوبیات آن خانه بود مثلاً از مال دزد یا مال میراث یا مال زن و از خوف و بیم و ترس و غیره پس نگاه کند در خانه هشتم اگر شکل هشتم سعد داخل است باید گفت که زن دلدار است و شریکیم تو نگردد و مال میراث بسیار است و خوف و ترس نیست سائل را هم برین قیاس حکم کند از سعد بسعادت و از نخس نخوست و منسوبیات شکل بگوید که امان رمل را نیز نگاه کند چنانکه گفته شده دیگر اگر کسی پرسد که مال گم شده بدست آید یا نه پس بیند که شکل هشتم داخل است یا خارج اگر داخل است مال زردیده و گم شده بدست نیاید و اگر خارج است و دوم داخل مال گم شده بدست آید و اگر شکل هشتم بخارج است و دوم نخس داخل بدشواری بدست آید و اگر نخس خارج در دوم بود و نخس داخل در هشتم مال در تلاش و ترد مال گم شده صرف شود و دیگر نقصان گردد و گم شده بدست نیاید و چون بجای هشتم شکل منقلب بود و در دوم داخل آن مال گم شده چیزی بدست آید و چیزی نیاید و باید که شکل خانه اول که از اطالع گویند از شکل خانه چهارم ضرب کند و شکلی بیرون آرد و آن شکل متولد را با شکل خانه هشتم ضرب کند و شکلی بیرون آرد و آن شکل اگر سعد داخل است مال گم شده بدست آید و اگر سعد خارج است بدست نیاید و اگر نخس داخل است بدشواری بدست آید و از نخس خارج بدست نیاید و نقصان در تلاش او شود و اگر کسی سوال از خوف کند نظر کند در خانه هشتم اگر شکل سعد داخل است حکم کند که خوف دارد و اگر سعد خارج بود بگوید که خوف نیست و اگر نخس داخل شکل بود حکم کند بر خوف عظیم و اگر نخس خارج است دلیل بر اندیشه و فکر است و اگر ثابت شکل در هشتم است هم خوف و خطر است و اگر منقلب است گاهی خوف نکند و گاهی بیخطر ماند و اگر پرسند که خوف از چه روست بپسند در رمل شکل خانه هشتم بیا نکند از نموده هر جا که مکرر بود و منسوبیات آن خانه را گویند اگر در اول تکرار کرده خوف از ابتدای کار بود و دوم چون مکرر شده خوف از مال و از جانب خرید و فروخت بود و اگر از سوم تکرار کرده خوف از جانب امان و خواهران و اقربا بود و اگر در خانه چهارم تکرار کرده شود خوف از جانب ملاک و از جانب پدر بود و هم برین قیاس حکم کند دیگر شکل

دلیل است که مرگ در عین دولت شود و از مال خویش تمتع نه یابد و در خانه خویش مقیم بود و مسافر باشد
و وقت نزاع آسانی شود و اگر آن شکل حاصل شد انگیزش باشد باید گفت که سائل در بقید کسی نماند آن سید
و نمی بسیار کشد و میخ میزند اگر طریق او یا فرح نباشد دلیل است که مرگ در سفر شود و در راه بمیرد و بسبب
مرگ فساد راه و مرض مملکت و شدید باشد و اگر قلع و دفن آن شکل حاصل شده باشد شکل است که مرگ
در غربت و در راه کجالت بجا کی شود و بسبب مرگ در بین حیوان درنده و گزنده باشد مثل شیر و پلنگ
و بعضی از استادان این فن گفته اند که چون نفی الله آن شکل حاصل می شود و شتم باشد باید گفت که مرگ را باعث زخم
خواهد شد و نیز دگونی خورده خواهد مرد و اگر آن شکل حرم باشد دلیل است که مرگ از زخم شمشیر خواهد شد و نیز
دلیل است که او را مار گردد و از اثر زهر او بمیرد و اگر آن شکل متوصل از این اشکال بود بیاض و جماع
و جماعت دلیل است که مرگ را باعث مرض بود و مریض را خونت باشد که برین سحر کرده اند و یا غفل
آسیب است و دیگر چون شکل خانه چهارم را با شکل خانه پنجم ضرب نموده شکل دیگر بیرون آوردن نگاه کند
که این شکل در زانچه کجاشسته است و یکدام خانه مکرر شده است پس جاک نشسته باشد منسوب است آن خانه
باعث مرگ است و نیز هر جاک مکرر شده است منسوب است آن خانه بسبب مرگ اند یعنی آن شکل حاصل را در ملایلی
یا فتنه گفتند که بسبب مرگ غم و غصه و فکر ترقی طالع و بد نصیبی باشد و آن را زاول بدوم مکرر شده معلوم شد که فکر
جمع نمودن و نقصان و در مال تجارت شدن و در رنج آن پلک شدن شود و اگر در سوم شسته باشد
سبب مرگ دوری اعزاء و اقربا و برادران و خویشان است یا بسبب شتمی برادران و خویشان آنچه که
منسوب است شکل بود و بگوید از سعد و سعادت و از غمت اشکال بخوت حکم کند اگر آن شکل در سوم شسته
و در چهارم مکرر شده و شکل نحس است پس باید گفت که جهت مرگ را باعث منازعت برادران و خویشان برای
ملک مقام و ترکه کردن از پدر باشد و اگر آن شکل در سوم شسته در چهارم تکرار کرده و شکل سعد است
پس باید گفت که بسبب مرگ جهت حاصل نمودن ملک پدر برای برادران و خویشان حرکت نمودن پدر از
مقام خویش باشد یا بی برین قیاس از هر خانه حکم نماید و تکرار شکل و حاضر شدن و در پدر جاک باشد
ملاحظه کرده منسوب است خانه و شکل خور کند و بگوید و سعد و نحس داخل و خارج آنچه منسوب باشد بطریق

شرح ز آنچه عمر سائل پرس گفتیم در عمر تو بهشتاد و شش سال جمله اند چرا که در اقول انگیس
 که در دایره بروج مالک خانه بهشتیم است از سکن عدد خویش چون بادل آمده بستی نه عدد باقی مانده
 زیرا که در خانه بهشتیم شش و شش عدد دارد هفت خانه طی نموده بادل رسیده پس از شش و شش هفت
 کم نموده بستی و نه ماند و لیجان مالک خانه دوم دایره بروج بخانه دوم بسکن خویش نشسته سه عدد دارد
 و باز لیجان در بهشتیم مکر شده آنجا سنی عدد دارد و دهم سه مالک خانه بهشتیم از دایره سکن به چهارم آمده
 که خانه عمر سائل است و این شکل از دایره بروج مالک خانه بهشتیم است و آنجا بستی و هشت عدد
 دارد چون آنجا در چهارم آمده یازده خانه طی نموده چون از بستی و هشت یازده کم کردند هفده باقی ماند
 پس همه را جمع نمودند جمله هفتاد و نه شدند و هفت عدد شکل لیجان در بهشتیم مکر شده گرفتند زیرا که
 اگر از دهم شمار کنی هفت میشوند پس بهشتاد و شش درست شدند چون مفهوم شد که اینقدر همه عمر
 سائل است پس خانه مرگ را نگاه کردم آنجا لیجان شکل طالع سائل نشسته و سنی عدد دارد و به یقین رسید
 که بعد سنی سال خواهد مرد و انگیس در طالع از خانه عدد و یعنی از بهشتیم که خانه مرگ است آمده بستی و
 عدد دارد و مالک این خانه فرح بی از دایره بروج یک عدد دارد و او در شانزدهم که خانه عاقبت است
 نشسته یک عدد از فرح و بستی و نه از انگیس چون گرفتند همه سنی عدد شدند این هم دلیل بقیه عمر
 سنی سال است و الله اعلم دیگر اگر پرسند که بکدام جهت مرگ خواهد رسید نظر کنند در خانه چهارم اگر شکل خارج
 مرگ از جهت دخول فکر و تردد در دل بود و اگر شکل خارج باشد مرگ از سبب خروج یعنی بسبب فقر و بستی
 و یا صفت مال باشد و اگر ثابت بود مرگ از وجوه دخل و خروج هر دو باشد و منقلب نیز همین حکم دارد و دیگر آنکه
 چون باین نیت رمل کشیده باشی شکل خانه چهارم را با پنجم ضرب کنی و شکل بیرون آورد پس اگر آن شکل
 متوله اگر لیجان بیاید نصره الحایج بود حکم کند بر مرگ یکایک ناگانی اما جان کنده فی باسانی شود و اگر
 بی قبض الحایج و یا بی عقیبه الحایج بود و موجب مرگ فلاس و پریشانی و تنگدستی بود و وقت نزع سختی کشد و
 چشم آن کور شوند قبل از نفس باز گسیب و از بی عقیبه الحایج نیز دلیل است که او را زهر خواهند زد و او
 و اگر آن شکل متوله چهارم و پنجم عقیبه الداخل بود یا قبض الداخل بود یا نصرت الداخل بود

از مسوولیت آنجا که گوید مطابق رمل اولی احکام را بهینند و حکم کند تا راست آید و الله اعلم بالصواب

طریق احکام بیت نهم رمل نیست

اگر کسی سوال از سفره آموختن علم و غیره خواب و حال خواب و غیره کند پس باید که نظر کند در خانه نهم و از مسوولیت آن حکم کند و اشکال سعد و محسن داخل و خارج را هم ملاحظه کند اگر شکل سعد داخل بود حکم بر سعادت دخول و دفع از آموختن علم و دیگر بگوید در حال خواب لیل است و اگر شکل محسن داخل است در علم تسابی و توقف در خواب در سفره آموختن و دیدن خواب بدلیل است و اگر سعد خارج شکل در اینجا است حکم بر خروج بختیاز و علم آموختن بدرجاعتدال و خواب نیک و دیدن که اگر شکل محسن خارج است بر بدی حال خواب و نیامدن علم و در سفره خبر نباشد بگوید و اگر شکل ثابت است بگوید که چیزی از علم بیاموزد و چیزی نیاموزد و از سفره دفع کلی نشود و حال خواب میانه بود و اگر منقلب است بداند که از سفره سرگردان شده باز آید و بعضی از مسوولیت خانه میاید و بعضی نیاید مثلاً اگر کسی پرسد که سفر کنم یا نه پس نگاه کند و طالع سائل اگر شکل خارج بود و مکرر کند در خانه حکم کند که سفر شود و اگر شکل داخل بود و مکرر کند از سکن خویش بیستیم بگوید که سفر حاصل نشود از سعد به آسانی و از محسن بدشواری دیگر باید که در احکام گفتن سفر چند خانه را ملاحظه کند تا احکام راست آید و آن اینست که چون سوال از سفر کنند به مینه طالع سائل را و خانه دوم را که خانه قدوم غائب است و خانه سوم را که خانه حرکت است و خانه چهارم را که مقام سائل است بدینصورت

خانه اول طالع سائل	خانه دوم قدوم غائب	خانه سوم حرکت نزدیک	خانه چهارم مکان سائل
وارد سفر	یعنی باز آمدن از سفر	نمودن دلیل خروج	و جای خروج
خانه پنجم مقام خبر خط	خانه ششم تسلی که تسلی بدشنان	خانه هفتم خانه غائب	خانه هشتم منع از سفر
از سفر کرده	آن مقام که راده رفتن دارد	مقصد سائل است	و ساقط
خانه نهم راه مسافر	خانه دهم مقام غائب	خانه یازدهم حرکت مسافر	خانه دوازدهم مقام مسافر
حال نیک و بد سفر	مال مسافر و ندیم مسافر	از اینجا که سفر کرده است	از اینجا که در سفر بود
خانه سیزدهم خط و غیر مسافر	خانه چهاردهم عارضه	خانه پانزدهم از اینجا که رفته	خانه شانزدهم مرگ مسافر
و اگر بدی که سفر شود یا نه	مسافر	است آنجا ساکن شود یا نه	و از سفر بازگشت شود یا نه

نموده بالا نگاه کرده حکم کند و آنچه مضبوطات شکل خوانده باشد اگر بان گویان رمل گوید و بهر دو اعداد
معامل او تادد و زائل او تادد شود و نو از هر رمل و نند او تادد موافق بود حکم کند و اگر این همه مواضع بقدر توانایی
انقلاب کند و بگوید بدین صورت پس درین تراجم چهارم را یا پنجم دوم هم
عقله حاصل شده و او حاضر رمل نسبت ناما اولش غریک و سنده که چون
آن شکل حاصله عقله نفی الخدیج بیو بسبب مرگ و زندگی جوان
مردم درست چون اینجا عقله بی حاصل شد لازم که بسبب مرگ
او غربت کردگی و در زندگی حیوان باشد و چون عقله مانک خانه
ششم است از اداره سکون آنجا نگاه کردم قبض الداخل نشسته که شکل خانه ددم است و متعلق بمال دارد
و خانه ششم خانه ریخ و تلف شدن است پس هر دو مضبوطات را جمع نموده گفتیم که بسبب مرگ و سفر براس
تجارت و تلف شدن مال باشد و نگاه کردم برگویان رمل و آن هفتم و هشتم و نهم و یازدهم اند چرا که هفتم
مقارنه ششم کردیم او باشد و سوم ششم ششم است که تعلیق او باشد و دهم شاید ششم است که نیم او باشد
و یازدهم تسدیس ششم است که ششم او باشد پس همه را نگاه کردم در مقارنه شکل سعد داخل یعنی عقبه الدخل
نشسته و در هفتم خانه تلف شدن است مگر سر نه و نیز در نهم که خانه سفر است رفته پس گواهی داد
که بسبب مرگ حجت شدن مال و سفر بود و در دهم نصره الحایج شکل خارج و سعد گواه شده که در سفر
خرج مال شود و در یازدهم نفی الخدیج که شکل آبی حکم بر سفر دارد نشسته و نکرا در خانه سوم که خانه حرکت است
منوده گواهی میدهد که ساکن در سفر میرود مال تلف شود چرا که خانه دهم خانه کار است و مقارنه او در یازدهم
نفی الخدیج شده که شکل آبی دلیل بر خرج مال است و نیز مضبوط بحرچ است یقین که صبیح که و تلف
مال باشد پس همین طریق جمله گویان را ملاحظه کرده حکم کند و در صورت بر خلاف شدن گویان
انقلاب نماید و بطریق انقلاب این است که اول را با چهارم ضرب کند و چهارم را با یکم ضرب کند
و پنجم را با نهم ضرب کند و دهم را با شانزدهم ضرب کند و چهارم را با شانزدهم ضرب کند و دهم را با شانزدهم ضرب کند
و ادوات ساخته نبات و متولات هندوات بیرون آورد و رمل تمام کند پس بجای شکل مطلوب بدرین رمل باشد

این سفر که میکنم از آن منفعت حاصل شود یا نه پس نظر کن در خانه نهم اگر لیان $\frac{1}{2}$ و نصف الحاجت $\frac{1}{2}$ ازین سفر مرتبه جلیل حاصل گردد و منفعت نیز شود و اگر قبضه داخل و عتبه داخل بود مال بسیار جمع کند اگر فرح و طریق و دیگر اشکال بودند ثابت پس احوال سفر میانه است نه نقصان گردد و نه نفع شود و منقلب اشکال دلیل بر سرگردانی است و اگر اشکال نخر خارج باشند مثل قبضه الحاجت و عتبه الحاجت پس آنهم بر سر گردانی سفر بغیر خصوصیتی یکسوی پیدا شود و نقصان گردد اگر کسی سوال کند که من برای تجارت کردن و فروختن اشیای سفر کنم اشیای من فروخته شود و در مال تجارت فائده شود یا نه پس نظر کند در اول که طالع و نصیب سائل است و در دوم که خانه مال است و خانه یا زدهم که خانه کار مال است و نهم که خانه سفر سائل است اگر در اول شکل سعد خارج بود و در دوم نیز خارج بود و در نهم داخل بود و در یازدهم داخل بود پس سائل را رفتن آنجا باشد هر جا که عازم شده است بلکه در راه فروخته شود و نفع گردد و اگر در اول شکل داخل بود و در نهم نیز داخل بود و در دوم هم داخل بود و در یازدهم خارج بود سفر تجارت نشود و اشیای فروخته نگردد و اگر در طالع نخر شکل بود در یازدهم نخر نخر باشد سفر تجارت بفائده بود و در مال نقصان شود باید که در همه خانه حال سعادت و نحوست اشکال دیده حکم نماید اگر سوال از سفر دریا باشد در خانه اول شکل لیان $\frac{1}{2}$ آید و در نهم نکار کند سفر دریا نیکو بود اگر سوال کند که بر کشتی چون سفر کنم زود رود یا نه پس نگاه کند در نهم و نهم که قدم غائب مسافر است و در سیزدهم که نیم نهم باشد اگر آنجا اشکال طریق و بیاض $\frac{1}{2}$ بودند کشتی زود رود و اگر عتبه داخل و نصفه داخل و قبضه داخل در خانه های مذکور بیابند باد و افق کشتی باید و بقاعده کشتی رود نه نود و در رنگ و اگر پسند که در سفر دریای کشتی سلامت بر آن رسد یا نه پس مینه خانه اول و نهم که تعلق به رنج دارد در خانه هشتم که گدا باشد اگر درین خانه ها اشکال حمزه $\frac{1}{2}$ و نفی الخدیج و عقلم بود باد و مخالفت و زود کشتی اضطراب افتد و اگر اوقات این را هیچ نخر بودند کشتی غرق شود و کسی سلامت نماند و اگر اوقات درین سوال سعد بودند کشتی بعد طوفان برکنار بر سر صحرای سلامت مانند اگر در طالع درین زایچه انگیس $\frac{1}{2}$ و قبضه الحاجت $\frac{1}{2}$ و عتبه الخدیج $\frac{1}{2}$ بود و نکار در خانه هشتم و نهم و دوازدهم کند یقین که کشتی غرق شود اما اگر اوقات در طالع سعد باشد بعد تملک اعظم برکنار زنده و اگر اوقات نخر باشند و کشتی غرق شود و ابل کشتی میرند و اگر در طالع اجمل $\frac{1}{2}$

پس این همه مسوومات هر خانه را دیده بهر طور که سوال کنند جواب بگو بدین معنی اگر به سکنه داده و سفر دارم خود
یا نشود اگر در داخل و چهارم و ششم و هشتم لیان و نصرة الخارج و طریق و فرج باشد حکم کند سفر شود
و ازین سفر مبارکی و بیودی حاصل گردد اگر در بخانه ها که ذکر رفت و در و در یعنی قبض الداخل و
نصرة الداخل و عقبه الداخل بود سفر نشود اگر پرسند که سفر میکنم و آنجایی که اراده رفتن است آن مقام
مبارک است یا نه پس نظر کنند در خانه پنجم و ششم و هشتم اگر در بخانه ها شکل داخل بودند مثل قبض الداخل و غیره
آن مقام مبارک بود و اگر خارج شکل بودند آن مقام مبارک است اما سائل را قیام در آنجا نمود و اگر پرسند که آنجا که
سفر کرده میروم آنجا کسی دشمنی کند یا نه پس ببیند در خانه اول و ششم اگر در بخانه لیان و نصرة الخارج و
بود کسی دشمن نباشد و اگر آنکس بود دشمن بزرگ در آنجا هست و اگر حرمه بود دشمن آنجا در پی
هلاک کردن شود و اگر عقبه الداخل بود دشمن در آنجا باشد اما دشمنی نکنند هم برین قیاس از سعد و نحس
و از داخل و خارج حکم کند اگر کسی پرسد که چون سفر کنم آنجا که میروم بحالت صحت و تندرستی برسم یا نه پس
ببیند خانه ششم و چهارم را اگر در آنجا شکل عقده و نفی الحدیث و حرمه آید در سفر بخور گردد
و بیماری و راز کشد و از نفی الحدیث بعضی گفته اند که از دست حرامیان و در هر نان مجروح شود و اگر این
اشکال فرج و اجتماع و طریق و در بخانه بودند از سفر بازگشت نماید و صحیح ماند و اگر اشکال در بخانه
داخل بودند در سفر هیچ گزند زد سعد یا سالی نحس بد شواری و اگر پرسند که اراده رفتن است کدام طرف
روم و رفتن من کدام سمت خواهد شد پس نگاه کند در ششم که مقام غائب است آنجا اگر شکل آتشی باشد رفتن
بطرف مشرق شود و اگر بادی بود سمت مغرب اگر آبی بود بطرف شمال و اگر خالی بود بطرف جنوب بود و دیگر
شکل خانه ششم را از شکل خانه پنجم ضرب کند در شکل بیرون رود پس ببیند آن شکل عوله را اگر آتشی بود سمت
مشرق رفتن خود و از بادی و آبی آنچه سمت مذکور شد حکم کند اگر کسی سوال کند که سفرم را با چند کسان شود
به چند خانه ششم و هشتم را که ندیم مسافرت اگر آنجا لیان بود با سادات و فضلاء و قضاة سفر شود و اگر
قبض الداخل و در هم باشد همراه بازرگان و در خانان سفر شود و اگر قبض الخارج بود با مردم سفار و اراذل سفر شود
برین قیاس آنجا که بالا قوم در جدول مذکور شد هر شکلی که در هم نشینند و بر قوم که مسو باشد آن حکم کند و اگر پرسند که

۱ نقی الخند	۴ نصره الداخل	۲ فصرح	۵ عقده
ل ق ل	ل ه ل ه	ب ه ب	ب ب ب
۳ بیاض	۶ اجتماع	۱ طریق	۳ اکیس
ل ب ل	ل ب ب	ب ل ل	ب ب ب
و جدول مالک که با شکل منسوب اند این است			
۷ بحسان	۸ قبض الداخل	۹ قبض الخارج	۱۰ جماعت
خوارزم و خراسان و شیراز بعد از دوشاپوره که منظم	کشمیر و بدخشان بلخ و غزنین و همدان	شهرهایین و مهرکنده غیر معمره	مدینه الحکما و بونان و خرنک
۱۱ فصرح	۱۲ عقده	۱۳ اکیس	۱۴ حمده
هرات و خجند و دشتی و کوفه و حلب	بکرات و لاهور و کرخان و هند و کمران	حبش و سراندیپ و سومات	دشت قباچاق و غور جایی ترخان و طمان
۱۵ بیاض	۱۶ نصره الخارج	۱۷ نصره الداخل	۱۸ عتبه الخارج
سجرا و اوسر آباد و گیلان	بدخشان و خطا و قش و کاشغر و چین	ترکستان و سند زنگبار	کرخستان و جایی دران و کوهمستان
۱۹ نقی الخند	۲۰ عتبه الداخل	۲۱ اجتماع	۲۲ طریق
قسططنیه و مدینه الاسلام شیراز و دهر و دوس و قمرود	کج و دهر و دوس و اندیس و قیروان	گیلان و مازندران و مدن	

چون این همه کوائف آشکار گشت لازم که گویان رمل را داد تا در ملاحظه نموده حکم کند و اگر از مضبوط
دیگر خانه هم سوال کند همه برین قیاس جواب بگوید مثلاً اگر کسی سوال کند که تحصیل علم میکنم حاصل شود یا نه
پس نظر کند در اوکل که طالع مسائل است و در رسوم که قوت حافظه است و در هم که خانه علم است و در ریاضی
که شش است هم باشد اگر درین خانه باشد مشکل سعید باشد دلیل بر آموختن علم بود و اگر غش باشد دلیل بر

ازین اشکال باشند نصرة الداخل به عقبه الداخل به قبض الداخل به اجتماع به بیاض به جماعت
 به آن گواه صادق باشد و اگر ازین اشکال باشند فرج به طریق به لیان به نصرة الخراج به بعضی از ان
 گواهان راست گویند و بعضی دروغ گویند و اگر ازین اشکال آن شکل متوله بود حمزه به قبض الخراج به
 عقبه الخراج به عقبه به و تقی الخد به آن همه کاذب و گواهان باطل اند شهادت حق ندهند دیگر اگر پرسند
 که دو کس عوی یک چیز میکنند معنی راست گویند باید عا علیه پس باین بیت رمل زنی و شکل طالع را
 با شکل خانه نم ضرب کنی و شکل خانه به ششم را با ششم ضرب کنی و دو شکل بیرون آری و آن هر دو را ضرب کنی
 و یک شکل تولد کن اگر آن شکل متوله سعد داخل بود و تکرار در اموات کند معنی راست گویند و اگر
 در نبات تکرار کند مدعا علیه راست گویند و گواهان رمل را در هر مقدمه ملحوظ خاطر دار و لایم الغیب لایم

طریق احکام بیت دهم رمل

اگر سوال از منسوبات این خانه باشد نظر کن در اینجا اگر شکل سعد باشد حکم بر سعادت کند اگر نحس باشد
 حکم بر نحس باید کرد و از خارج حکم بر خروج است و از داخل حکم بر دخول و از ثابت حکم بر توقف کند و از
 منقلب لیل به انقلاب است و این همه حال در هر خانه گفته ایم بران اعتماد شاید و از منسوبات اینجا چند
 سوال را جواب بگویم تا این را از اشکار شود یعنی اگر سوال کنند که سلطنت من باید ابرو مستحکم ماند پس نظر کن
 در خانه دهم آنجا اگر شکل سعد داخل بود و تکرار در خانه های چهارم و اول و پانزدهم کند بر آن خانه چهارم
 و مقام و عمر سائل و عاقبت است و اول طالع و پانزدهم قاضی و خانه عدالت و میزان الرمل اگر اینجا
 تکرار باشد گوید که سلطنت را استحکام ماند و هر خوش شود باشند و ترقی جاه و دولت بود و اگر در اینجا
 شکل خارج بود و تکرار در خانه ششم و دهم و دوازدهم که خانه های ساقط اند میکنند سلطنت را زوال باشد
 و بعد چند ایام زائل گردد و اگر در دهم شکل ثابت باشد و تکرار چند خانه نیک چند خانه ساقط کند بعد از
 عرصه سلطنت زائل شود اگر شکل منقلب باشد و تکرار بچند جا کند بعضی از سلطنت در قبضه خویش ماند بعضی
 از ان منتقل گردد و مدعا باسانی و بخش بد شوی و دیگر چون استحکام سلطنت رمل زنی و زانچه کنی نگاه کن
 با و تادان و هر چهار و تادان رمل بگیر و اموات بمبار و رمل دیگر تمام کن پس رمل آخری با تادان داخل

نیاموختن علم است از خارج و معد و ثابت و منقلب هر جا حکم کند چنانچه گفته شده یعنی اگر خارج باشند
دلیل است که آموختن ترک کند و از منقلب بعضی از علم حاصل شود و بعضی نه و از ثابت در توقف یافتند دیگر
اول را با نهم و سوم و یازدهم ضرب کند و ازین هر دو خانه دو شکل بیرون آورد و از این ضرب کند و یک شکل
بیرون آورد اگر آن شکل متولد نصره الداخل و عتبه الداخل و قبض الداخل و جماعت و
بیاض و اجتماع بود علم کلی حاصل شود و اگر لیان و نصره الخارج و فرج و در طریق بودند
بعضی از علم حاصل شوند و بعضی نیاید و اگر آن شکل حمره و عقده و نفی و قبض الخارج و
عتبه الخارج و انکس بود علم حاصل نشود و قصد یعنی در باب آموختن آن شده اند علم
بالصواب دیگر اگر سوال کنند که دعا مستجاب شود یا نه نظر کنند در طالع و در نهم که خانه استغاثه
است و در یازدهم که شریک شغل است و در یازدهم که خانه استجاب است اگر در اینجا با
شکل سعد داخل بودند دعا مستجاب شود و اگر با انکس بودند حکم برنا مقبول شدن دعا میکند اگر سوال
از تعبیر خواب بود به بیند در خانه سوم اگر شکل داخل و سعد باشد تعبیر خواب نیکو بود و از خارج
نخس تعبیر بد بود و اگر پسند که خواب چه دیده ام نگاه کند در خانه نهم آنچه که شکل در آن نشسته باشد
از منسوبات آن حکم کند اگر لیان و نشسته گوید که مساجد و مدارس دیده و رفته در اینجا
برای نماز گزارون و اگر لیان و تکرار کرده است بخانه دیگر آنجا نگاه کند یا هر شکلی که در نهم
نشسته بهر جا که مکرر باشد آنجا نگاه کند و منسوبات آن خانه و آن شکل را ملاحظه کند و خواب بگوید
همچون قیاس و پنج شکل درین خانه خواب بودند لیان و عقده و انکس و حمره و بیاض
چون این اشکال در نهم بیانید بگوید که خواب دیده و منسوبات و تکرار اشکال دیده حال خواب
بگوید دیگر اگر کسی سوال کند که شاهد من راست است یا کاذب نظر کند در اول و نهم و چهارم و نهم
که خانه او تاد اند اگر آنجا اشکال سعد بودند راست است و اگر نخس بودند دروغ گو است و شهادت
در دروغ میدهد و باید که اول با هفتم و چهارم با دهم ضرب کند و دو شکل متولد کند و آن هر دو را ضرب کرده
شکل دیگر متولد کند و آن شکل را با خانه یازدهم که قاضی ازل است ضرب کند و شکل حاصل کند اگر آن شکل متصل

در اگر غرض خارج همه او تا دلبند سلطنت بدگیری منتقل شود و دیگر اینکه در قیاب در ساعت آفتاب و عزت
و حساب ساعت از روی نجوم اینست که بهر زمانیکه آفتاب بر آید و طالع گردد آنوقت را دریافت کنند
زیرا که گاهی شب دراز باشد روز کم میبود و گاهی روز دراز باشد شب قلیل میشود پس آنزمان را دریافت کنند
که الحال که من در مل میگردم وقت طالع میشود چون نیک دریافت کرده پس خیال کنند که آن روز
که ام است اگر آنروز شنبه بود بدانند که وقت طلوع آفتاب در بین روز ساعت زحل بود و در نیمه شب
خام ساعت او ماند بعد از این ساعت مشتری آغاز شد و همین طور هفت ستاره را شمار کنند و هر روز وقت
بر آمدن آفتاب یکی از این هفت ستاره را ساعت بگیرند و از او شان تا وقت طلوع شدن برود دیگر که شمار

نام روز و ماه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه	

اما چون حال ساعت باد را که رسید پس بساعت آفتاب برای ثبات سلطنت قرعه بزنند اگر در آن روز
شکل آفتاب یعنی فیض الداخل به شکل ماهتاب یعنی بیاض و شکل مریخ یعنی حمه در اول و در دوم
که خانه سلطنت است بیابند و دلیل است که سلطنت را ثبات و استوکار بود و امور سلطنت بخوبی
انجام پذیرند و رعایا مطیع باشند و پشتمانیست سلطنت در خاندان بماند و اگر شکل عطارد یعنی جماعت در
طالع باشد ابتدا در حال آن مملکت ضعیف و تنه بود و در آخر زمان قوت گیرد و اگر شکل زهره یعنی عقبت الداخل
و دیافرج بود و اول این روز بود اکثر درین ریاست فساد شود و ابتر و قریح گردد اما سلطنت در
نسل قائم ماند و هیچ بره غالب نیاید و اگر شکل زحل یعنی عقبت در اول این روز بود دلیل بر انقلاب بود
حال سلطنت بود و اگر شکل مریخ که خاصیت خود با انقلاب است یعنی نفی الخد بود و در اول بود شاهی نامد
یک سال بماند و بعض ممالک بروقت زدن قرعه از دست رفته باشند و اگر شکل عطارد یعنی اجتماع در
اول بود سلطنت در حقارت باشد اما قائم در خاندان همان سلطان بماند و اگر شکل مشتری یعنی بحیان
در خانه دهم و نصره الداخل در اول درین روز باشد دلیل که دشمنی ملک ظاهر گردد و خراج مستان اما عاقبت

یا ثابت یا خارج و یا منقلب گردد داخل اند دلیل بر ثبات حکومت است و اگر اوتاد ثابت اند دلیل بر ثبات
سلطنت است و اگر منقلب اند حکم بر بعض ریاست در تحت حکومت ماندن و بعض از دست رفتن است و اگر
خارج حکم بر دست رفتن از دست حکومت باشد و بر تو مثال این رمل آشکار کنم تا قریب الفهم باشد چنانچه نیست
استحکام سلطنت رمل زردیم بدین صورت اتفاق افتاد

زائچ استحکام سلطنت	اوتاد زائچ سلطنت

پس این هر چهار اوتاد را گرفته امهات ساختم بدین صورت

پس این هر چهار اوتاد را گرفته امهات ساختم بدین صورت	پس این هر چهار اوتاد را گرفته امهات ساختم بدین صورت

و از نفس حکم بر بی اختیاری و امد اعلم دیگر اگر پرمند که بادشاهی در چند پشت بخاندان من ماند پس
باین نیت قرعه بزنی و نگاه کن ز زائچ که اوتاد سعد داخل اند و یا ثابت اند و یا خارج اند و یا
منقلب که سعد داخل و ثابت بودند و سلطنت تا کی زمان کند و اگر خارج سعد بودند بر سلطنت کند اما
اگر نفس خارج و منقلب بودند سلطنت از خاندان برود و باید که درین نیت نیز اوتاد گرفته امهات بسازد
و به طریقیکه مثال گفته شده است رمل دیگر تمام کند و بهینید در آن رمل که چند اوتاد سعد داخل و ثابت اند
و چند سعد خارج و منقلب اند و چند نفس خارج اند پس هر قدر که سعد اوتاد بودند همان قدر در پشت سلطنت تمام

نفس بود داخل باشد عامل بر رعیت ظلم بسیار کند اما عملداری تا مدت کند تا در حاکم ماند و اگر انیکو چون
برای دریافت حال عامل رمل کشند نظر کنند در خانه چهارم اگر این شکل در اینجا بود یعنی نصرة الداخل
و قبض الداخل و عتبه الداخل و آن عامل بسیار منفعت یابد و نیک بود و اگر لجان نصرة الخارج
و عتبه الخارج را هر کس دست دارد و عامل با جاه و مترت مانند مانع او را کمتر باشد و اگر درین رمل در دهم
بیاض و اجتماع و جماعت بود مردم عامل را بحقارت نظر کنند و عامل را نفع بسیار باشد و تا در
حکومت کند و قائم ماند و اگر جماعت در طالع بود و تکرار در دهم در خانه ششم که رعیت از عامل را ضعیف
و عامل را نفع رسد و اگر جماعت در خانه ششم تکرار کند عامل را قیام حکومت است اما داخل از و ارضی نباشد
و اگر در خانه دوم و چهارم و دهم اشکال نخل باشند میان عامل و رعیت اختلاف واقع گردد و اگر تکرار در خانه
بد نصرة الداخل کند برای عامل بیم بلاکت است و بد باشد و اگر در طالع و در دهم حمه و قبض الخارج و
عتبه الخارج و عقده و انگیس آیند و در خانه های سابق تکرار کند عامل مقید شود و بر باد گردد و در
حکومت آن را نعل شود و اگر اجتماع در طالع آید و تکرار در خانه های بد کند عامل در آن شهر مقید گردد و اگر
در طالع و در دهم طریق و فرج بد بود عامل در آن شهر مله و لعب صرف شود و کار حکومت با انجام برسد
و دیگر اگر سوال کنند که از عهده خویش معزول شده ایم باز مجال شوم یا نه پس رمل زده نگاه کن در طالع و در خانه
چهارم و در خانه دهم که چه شکل نشسته اگر شکل که در دهم نشسته سعد است و داخل و یا ثابت است و تکرار در
خانه اول و چهارم کرده است باز مجال شود و اگر شکل دهم غم است و داخل و ثابت نیست و تکرار در اول و
چهارم نکرده است باز مجال نشود دیگر اگر سوال کنند که بادشاه مرا چه خدمت عطا خواهد کرد نگاه کنند در خانه
دهم را آنچه اگر آنجا لجان باشد گویند معلم گری و کار صدرات و تعلقه مساجد و آنچه عمل صالح باشد بدو ازین چیزها

و اگر

لجان	قبض الداخل	قبض الخارج	جماعت
معلم گری کار مساجد و عمل صالح	تخلیه داری و خویشی گری	فرانی و جلادی کار بسیار	نظارت و میر عارت و کار
شرح	عقده	انگیس	حمه
و اگر و غنی این طریقه خدمت گاری	قلعه داری و حفاظت نندن	پاسرانی و دکان و از میر کنین	نظارت و میر عارت و کار

پنجم باشد و اگر شکل راس و ذنب یعنی قبض الحامیج و عقبه الخارج و ذنب درین رمل در اول بر این ملک
 بدست دیگر افتد و اگر شکل آفتاب که مالک خانه دهم نیز هست یعنی نصره الحامیج و درین رمل و در دهم یا
 در اول نشیند سلطنت پدید آید و سلطان این ولایت سر کند یعنی پنجم و لایت دیگر و هر جا که بایستی رفتن
 ملک میرود آن قلم و راه هم فتح کند و بدست آرد و اگر شکل قمر که منقلب است یعنی طریق اگر در خانه های مذکور
 اند درین رمل نشیند دلیل بر ثبات ملک است اما با و شاه ملک هر اسان و ترسان و پیریشان باشد و ازین
 یکجا استقامت نکند از جای بیجایی دیگر و دیگر اگر سوال کنند که حال من لشکر من رعیت من و ملک من
 بهتر است یا نه و آینده چگونه خواهد شد پس درین رمل یکیش و نظر کن در اول که طالع باد شاه است
 آنجا پنجم که شکل نشسته باشد سعد یا نحس داخل یا خارج ثابت یا منقلب پس حال نفس سلطان از دگرگو
 و حال لشکر از خانه دهم آن رمل باید گفت هر چه اشکال خاصیت آنجا دارد و فکر از هر جا که کند و آنچه
 منسوب است آن بوند بر خیزد و حکم کند و حال رعیت را از خانه دهم دریافت توان کرد و آنجا پنجم که شکل
 نشسته باشد از منسوب است آن بگوید حال ملک از چهارم و دهم ببیند و در میان آن پنجم که شکل نشسته اند
 بر آن حکم کند و اگر از حال وزیر و نائب پسند از خانه دهم باید گفت آنجا پنجم که شکل از منسوب است آن
 حکم کند مثلاً در اول میان بود گوید که مزاج سلطان بعد از آن را غلبت دارد و اراده سفر دارد و اگر در
 دهم قبض الداخل بود بگوید که رعایای شهر آسوده و توکل دارند و اراده تجارت دارند و سوداگران در پنجم
 بسیار اند و در چهارم و دهم بیاض و فرح بود و گوید که ملک آباد است و زراعت بسیار دارد و
 دهم عقبه الداخل بود باید گفت که احوال لشکر نیک است و اهل بهادر نیستند اما لشکر کثیر است و جم غفیر
 و مال دارند و در دهم فرح بود گفته باید که وزیر عیش و مست است که تمسخر و استهزا او مست دارند
 و در کار سلطنت تساهل میکنند اما خیر خواهد سلطنت است پس برین مثال از هر خانه و از هر شکل درین
 از آنچه حکم کند و منسوب است اشکال بگوید و سعد و نحس نیز ملحوظ دارد و دیگر اگر سوال کنند که از جانب سلطان
 بر رعایا عامل معین شده آن عامل را حال چون است پس برین نیت رمل زند و نگاه کند در او تا دان
 اگر سعد داخل و سعد ثابت بوند آن عامل نیکو اطوار باشد و بر رعیت احسان کند و تا در حکم ماند و اگر

بیاض داروئی نوشتخانه و کتبخانه و آنچه تعلق بدربار باشد	نصرة الخارج صوبه داری و فوجداری و سردارے	نصرة الداخل وزارت و قضات و محاسبان و معلم کرے	عقبه الخارج فیلبانی و سائیس و جاگری و مثل این
نقى الخدم داروئی باو و خیمه و مثل این	عقبه الداخل منولی گری و آنچه تعلق بمال شتر و کبود	اجتماع نقاشی و قصه خوانی و منشی گری و دفتر بندی	طریق جلو داری و قاصدی و الحج گری
پس بموجب این منسوبات حکم بر امور مردن عمده میکند دیگر اگر سوال کند که من چه کار کنم که بهتر باشد پس رسل زند و شکل طالع را با شکل خانه دهم ضرب کند و شکل بیرون آرد آنرا ببیند که کدام شکل است اگر بماند بود مشاخی و درویشی بهتر بود و ما حکم هر پیشه با شکل در جدول بگویم			
یحسان مشاخی و درویشی و نکاح خواندن و نماز را پیش امام شدن	قبض الداخل سوداگری و خدمت ملوک و داد مست کردن حرفی نمودن	قبض الخارج در ونگوئی و در نهی و قرار آرد و مثل این و جزو دے و مکاری و عذاری	جماعت سبخی و در مالی و ساحری و تعوذ نوشتن و دعوت خواندن و محرری
فرح خوشبوسازی و عطاری و رنگرزی و قاصی و طرب و مثل این	عقله فر کنیدن ظروف گلی خشتن و زراعت کردن کار عمارت نمودن	اکلیس چاه کنیدن و کار گل نمودن و قرض دادن و شریک شدن	سمه سپاه گری و زر گری و نان پزی کردن
بیاض طامی و حلاجی و پارچه فروشی کردن	نصرة الخارج عالمی و چکله داری کردن و زمین و موضع با جاره گرفتن	نصرة الداخل شاعری کردن و ندیم بودن و مشیر سلطان شدن	عقبه الخارج خاسقی و فاجری کردن و فوتن گفتن و ملی فروشی و دینی با کسان کردن
نقى الخدم آهین گری و تیر سازی و شمشیر زنی و مثل این	عقبه الداخل مشاط گری شادی کنانیدن و دختران و دلالی کردن	اجتماع گلکاری کردن و سماری نمودن و دعوی نوشتن و حکمت نمودن	طریق سقانی کردن و قاصدی نمودن و گا دزی کردن و کایاب و مثل این

حکم کند یعنی اگر شکل طالع در ظاهر باشد و در باطن نباشد حکم بر دوستی ظاهر است و اگر در باطن باشد و در ظاهر نباشد حکم بر دوستی باطنی است و دیگر اگر سوال کند که شخصی از من عهده کرده است و فاکند یا نه پس رمل از من
و نگاه کند و یا از دهم اگر در آنجا شکل سعد بود عهده درست کرده است و اگر نخست عهده نادرست کرده است
و از خارج حکم بر تساهل و فاء عهده بود و از داخل زود عهده و فاکند و از منقلب بعضی فاکند و بعضی از آن عهده
و فاکند و از ثابت حکم بر ایفاء عهده بود اما بدر دیگر شکل خانه یازدهم را با شکل خانه پنجم ضرب نماید و شکل تولید کند
اگر آن شکل تولید شده بمیان \equiv و نصرة الحیاج \equiv و فرج \equiv و طریق بود بعضی از عهده و فاکند و بعضی و فاکند
و اگر \equiv قبض الداخل \equiv و نصرة الداخل و عتبه الداخل \equiv و بیاض \equiv بود البته و فاء عهده کند و اگر عقل
نقی \equiv انکس \equiv حمه \equiv قبض الحیاج \equiv بود عهده و فاکند و آنچه که قول کرده است آنرا بشکند و آنکار نماید از
گفته خویش را اگر جماعت بود آن عهده کرده است بدر ایفاء آن کند و اگر اجتماع \equiv بود یقین که در میان ایفاء
عهده کرد و عذر و جلد با آرد و اگر عتبه الحیاج بود از تو بگریزد و عهده و فاکند دیگر اگر سوال کند که وزیر سلطان این
شهر چون است نظر کند در خانه یازدهم اگر آنجا شکل آفتاب باشد دلیل است که وزیر عاقل باشد اما بر مردمان قهار
باشد و اگر آنجا شکل بادی است وزیر تلون طبع دارد و مسرف است و اگر شکل آبی است دلیل است که وزیر
بیزد باشد و اگر شکل خاکی است در بنجانه دلیل است که بخیل و بی هنر و ظالم باشد اگر از قوم او پرسند نظر کند
در خانه دهم که از دور دارد و ده گانه چهارم یازدهم میشود و خانه چهارم خانه پدر اوست پس آنجا هر شکلی که
نشسته باشد و هر قوم که منسوب باشد چنانکه در جدول بالا مذکور گشته بر آن حکم نماید دیگر اگر در یازدهم این
اشکال بودند بمیان \equiv و نصرة الداخل \equiv و جماعت \equiv و قبض الداخل و اجتماع و تکرار در اول چهارم چهارم
و دهم کنند وزیر صحیح بعضی دیگر اگر در آن نشسته بود و کار سلطنت را با انجام رساند و شریعت القوم باشد و اگر غلام
این شکله اشکال دیگر بودند وزیر بهتر نبود و کار سلطنت ابر کند دیگر اگر براسه شغای بیمار سوال کنند
که شغای بیمار را خواهد شد یا نه نظر کند در رانچه بنجانه یازدهم اگر آنجا شکل طالع باشد و عهده بود بیمار زود شفایا
اگر نخست باشد بر شغایا بدر دیگر ببیند که شکل خانه یازدهم کجا نشسته اگر از خانه خود یازدهم خانه بی نماید بیمار شفایا بدر
و دیگر نظر کند در یازدهم که کدام شکل نشسته است اگر آن شکل سعد است و تکرار در خانه نهمی سعد دارد بیمار شفایا بدر

داخل بدو بر آمدن مراد و از منقلب بعض از آن اسید یافتن و بعض یافتن بگوید مثلاً اگر کسی پرسد که از دوست
دوستی زیاده کرده و یا نه پس بخانه یازدهم بر میند که چه شکل آمده و آنچه که حال سعد و نحس گفته شد بر آن حکم کند
و اگر شکل خانه یازدهم در طالع و در خانه سوم و پنجم و نهم تکرار کند بگوید که دوست دوستی زیاده کند و مراد
بآسانی حاصل شود و اگر شکل یازدهم در اعمات نیاید یا در پنجم و نهم مکرر نشود و نحس باشد از دوست پی عداوت
است دیگر به سوال قیام دوستی طالع را با شکل خانه دهم ضرب کند و شکل حاصل کند و آن شکل مستحاله را با شکل
خانه یازدهم ضرب کند آنچه که شکل حاصل شود از سعد و نحس آن حکم کند و اگر پرسد که بدوست تا چند زمانه قیام
دوستی شود پس نظر کند چار و تا در مل اگر آن سعد داخل بودند و ثابت باشند و تکرار در خانه های سعد کرده باشند
حکم تا برگ بقیام دوستی دارد و اگر او تا دهم نحس بودند و تکرار در خانه های سعد دارند بگوید که دوست دوستی
ظاهری میکند بدل دوست نیست و اگر اشکال او تا سعد اند و تکرار در خانه های نحس دارند حکم کند که دوست
دوستی بدل دارد و اما بسبب جوهر چند مانع شدن کسی ظاهر نمیکند و اگر اشکال او تا دهم نحس اند و تکرار در
خانه های نحس نیز دارند حکم کند که دوست دوستی با کل ندارد و دیگر اگر در خانه یازدهم شکل قبضه داخل
و چه نصرة الداخل و چه عقبه الداخل بود و تکرار در طالع و در سوم و پنجم و در نهم میکند دوستی بدام ماند
و دوست جانی بودند و اگر لیان و نصرة الخارج و فرج و در طریق در یازدهم تکرار در داخل او تا دهم
کنند دوستی از دوست قائم ماند اما گاهی در کلام کردن نزاع بهم شود اما زود رفع گردد و اگر انگیس در
یازدهم بود دوستی همیشه در ضد ماند و اگر همزه در یازدهم بود در عین اخلاق جنگه جدل شود و با هم
خشم شوند و اگر جماعت و اجتماع بود دوستی از مکرر غدر باشند و بعضی حکم دوستی بدستمال کرده اند
که هر شکل که در مل دوستی در خانه یازدهم نشسته باشد آنرا ضرب کنند با صاحب خانه یازدهم و هر شکل را آنچه را
با صاحب خانه ضرب کرده را آنچه باطنی کنند پس هر آنچه شکل که در یازدهم بظاهر نشسته است اگر در
باطن هم حاضر مل است دوستی در ظاهر و باطن دوست دارد و اگر آن شکل در باطن نیست
دوستی ظاهری است و اگر در باطن آنچه که شکل یازدهم است در زانچه ظاهر نیست پس دوستی ظاهری
دوست نمیکند اما بدل دوست است و نیز شکل طالع را به برین قیاس نظر کنند در ظاهر و باطن بر آن

و بینی سائل به چرخند و انگشتان را به پرند و اگر شکل طالع نحس داخل بود یا نحس ثابت باشد و تکرار در زائل
 او تا و کند پای سائل را قطع کنند و اگر در طالع سائل طریق و نفی و عقده و عتبه المایح و حمره و
 و انگیس بود و تکرار در هشتم و در دوازدهم که خانه های ساقطند این اشکال کشند و میزان رمل نحس باشد
 و در تصویر سائل را بکشند و با چندان زد و کوب نمایند که خون از جسد روان گردد و اگر شکل اول که خانه
 طالع است نحس باشد و در دوازدهم تکرار کنند دلیل است که سائل را مجوس گردانند و اگر شکل خانه دوازدهم که
 طالع سائل مکرر شود و نحس باشد نیز دلیل بر حبس سائل است که طوق و سلاسل در پایی و در گردن نهند
 و اگر در طالع و عقده و نفی آید به سائل را بتا زبانه زنند و اگر حمره و عتبه المایح بود دلیل است که بآتش
 سائل را بسوزنند و یا جسم را داغدار کنند و اگر طریق و بیاض و قبض المایح و نصرة الداخل در طالع
 بودند دلیل است که سائل را از رسن بستند یا ویزند و یا در آب غرق کنند و اگر انگیس و راول بود و در دوازدهم
 مکرر شود و مقارنه و شارب طالع یعنی دهم و پنجم نحس باشد سائل را حبس شدید کنند و اگر غلمان این اشکال که مذکور
 شده اند شکلهای دیگر بودند و تکرار در خانه های سعد کشند دلیل بر راهائی سائل است بیکار سوال کشد که مرا از
 خبریدن چهار پایه نفع رسد یا نه بدیندر خانه های اول و پنجم و دوازدهم اگر اینجا شکل سعد داخل و یا ثابت بود
 از خریدن چهار پایه نفع برسد و یا در ماند و اگر در طالع شکل سعد منقلب و سائل بخرد آن چهار پایه مبارک
 المودیر تر نماید دیگر شکل طالع تکرار در خانه پنجم و دوازدهم کند و شکل سعد باشد نیز دلیل بر مبارکی چهار پایه باشد
 اگر شکل طالع خارج و نحس منقلب و تکرار در خانه های بد کند نفع در خرید چهار پایه نرسد و آن چهار پایه اگر
 خریدار شود تلف گردد و اگر انگیس بود اکثر بخور مانده و یا لنگ گردد و اگر عتبه الداخل در خانه دوازدهم آید
 و در خانه نحس تکرار شود اسب لکد زن باشد و اگر قبض الداخل بود و در خانه نحس مکرر شود اسب زدن آن کرد
 و اگر بیاض و قبض المایح بود و تکرار در بیوت نحس کشند بپای آب بنشینند و اگر حمره و جماعت و اجتماع
 آید و تکرار بد کند اسب در دیدن کوتاهی کند و کم رفتار باشد و اگر لیان و نصرة المایح و و فوج به
 و طریق و در دوازدهم آید و تکرار در خانه های نیک کشند اسب خوش رفتار و چالاک بود و اگر نصرة الداخل آید
 و در خانه دهم و پنجم و یا دوازدهم تکرار کند اسب را آب شاد و ری خوب کند و باید که در سوال عیوب اسب چند خانه

دیگر نظر کند در خانه ششم که خانه مرض است اگر آنجا شکل داخل بود یعنی تا عرض کند رازی را ماند و اگر آن
شکل خارج بود زود شفا یابد سعد با سانی و خمس بد شواری

طریق احکام بیت دو از دهم رمل

اگر سوال از منسوبات ایخانه بود از بین خانه بر سعد و خمس داخل و خارج نظر کند و چنانکه در طریق احکام
دیگر خانه گفته شده مثلاً سوال کند که دشمن از من قوی تر است یا ضعیف به بیند و اینجا اگر شکل سعد
داخل بود طالع دشمن قوی است اما دشمنی نکند و اگر شکل خارج است و سعد است دشمن لا حال قوی است
و نه ضعیف و دشمنی ترک کند و اگر دوازدهم شکل خمس داخل است طالع دشمن قوی است و دشمنی بسیار
کند و از منقلب ثابت گاهی دشمنی کند و گاهی ترک دشمنی نماید دیگر اگر سوال کند که دشمن بر من غالب بود
یا نه نظر کند در خانه اول که طالع است و در خانه هفتم که خانه ضد است و در خانه دوازدهم که خانه دشمنی
است اگر در طالع شکل سعد بود و دوازدهم شکل خمس بود دشمن غالب نبود و اگر شکل طالع خمس بود
و هفتم و دوازدهم شکل خمس بود دشمن بر سائل غالب شود دیگر اگر پرسند که حاکم وقت جانبی است دشمن
کند یا پاسداری من کند به بیند خانه دهم را که آنجا چه شکل نشسته و بجا تکرار کرده اگر شکل خانه دهم در امتداد
مکرر شود حاکم طرفدار سائل بوده اگر در بنات تکرار کند حاکم جنبه دشمن کند و با خصم موافق است و
اگر در متولدات تکرار کند حاکم هر دو را رعایت کند و اگر در زوالات تکرار کند حاکم بطرف کسی نیست
و اگر آنصورتی خارج که از دائره سکن مالک خانه دهم است در زائجه بطالع سائل آید و دوازدهم نیز
تکرار کند سائل از طرف حاکم زحمت کشد اگر پرسد که حاکم مرا بمقدمه دشمن چه سز خواهد داد و او نظر کند در
اول اگر عتبه الحاج آنجا بود و تکرار در دوازدهم کند و در چهارم که خانه عافیت شکل خمس بود و هفتم که خانه
ضداست نیز خمس باشد و در پانزدهم که خانه عدالت است شکل مثله و خمس بود یعنی از دهم و خمس متولد
شده باشد پس سائل را برادر کشند و اگر جماعت در طالع سائل بود و تکرار در خانه پانزدهم که میزان است
بکند و خانه سیزدهم و چهاردهم که گواه خانه های رمل اند خمس باشد و نیز در و تدر رمل جماعت بود و
سائل را به برند و اگر شکل طالع در خانه سیاست نشیند و تکرار در مائل کند و گواه خمس باشد گوش

اگر سوال کنند که محبوس از زندان که خلاص شود نگاه کند در خانه دو آرد هم اگر در اینجا شکل سعد داخل بود قید شدید بود باید اما قید سخت نشود و در زندان آسانی شود و اگر شکل نحس داخل بود قید شدید بود و در زندان دیر تر ماند و اگر در خانه دو آرد هم نکلیس بود و تکرار در خانه نحس کند یقین که در قید هلاک گردد و در خانه دیگر اینکه عتبه الحاج که مالک بن خانه است آریا بید که بانشسته است و آخانه سعد است یا نحس اگر اگر عتبه الحاج سعد بود دلیل است که زود از قید خلاص شود و اگر در نحس شود یقین که تا دیر قید ماند و اگر عتبه الحاج در خانه ششم مکر شود و گویا آن رمل نحس باشند و قید میرد و اگر در خانه ششم مکر شود و قید رنج شود و اگر شکل نحس خارج در دو آرد هم آید قیدی زود خلاص یابد و محبت بسیار کشد و رحمت رسد و اگر نصرة الحاج در دو آرد هم آید حاکم زندان قید شود و زود صاحب زندان بانی یابد و اگر الحیان در دو آرد هم آید که شکل طالع است زود خلاص شود و اگر عتبه در دو آرد هم آید خلاص شود و باز مقید گردد و اگر نفی الحذر در دو آرد هم آید از زندان قیدی بگریزد و اگر طرفین آید در زندان دیر تر ماند اما قیامت خیر است را باشد و اگر بیاض آید عرضی برای ربانی مقید پیش حاکم داده اند و مقید دیر نماند را باشد و همین طریقی از هر اشکال حکم این خانه نماید و الله اعلم بالصواب

طریق احکام بیت سیزدهم رمل

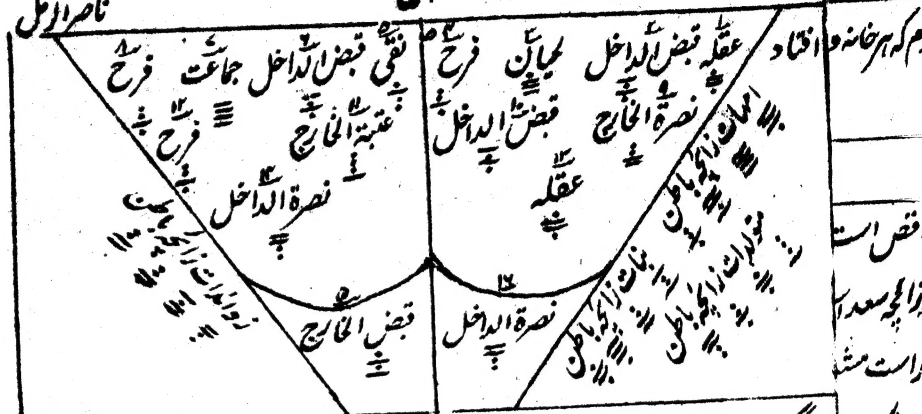
و این خانه گواه طالع است و نتیجه امورات را چنانچه است و منسوب بهی است اگر کسی سوال کند که فلان کار خیر است یا بد که خانه سوال را بیند و چنانکه گفته شده در هر بیت احکام دوازده گانه حکم نماید و خانه سیزدهم را گواه مقرر کند اگر اینجا شکل نحس است بگوید که احوال آید نیک نخواهد شد و توسعی اگر سبکی ایگان خواهد بود و اگر شکل سعد بود بگوید که احوال آید نیک است و بی تو در بنیاب بهتر است و از خارج و داخل و منقلب ثابت هر کوه انقضیه بهر جا از هر حکم نماید

طریق احکام بیت چهاردهم رمل

و این خانه مطلوب است و نتیجه نبات را چنانچه و آینه رمل این را نیز گویند پس شکلی که در اینجا باید آریا بید که به کدام چیز تعلق دارد پس صنمیر مائل برای طلب خیر است و اگر آن شکل داخل است آن مطلوب حاصل خواهد شد و اگر خارج سعد است دلیل است که ترک با اختیار خود کند و از منقلب است بعضی از این مطلب

و چند شکل را به میند و آنجا شکل سعد و نحس را قاطع کرده چوب بگوید یعنی خانه دوازدهم که طالع اسپ است آنجا
 نگاه کند اگر آنجا شکل ناقص بود بر میثانی است عیب است چنانچه اگر آنجا میاض بود بگوید که ستاره میثانی است
 و خانه سیزدهم که از دوازدهم دوم میشود و دهم خانه منسوب بجنه است پس از سیزدهم حال خوراک اسپ بگوید
 اگر آنجا شکل نحس خارج و یا نحس ثابت بود عیب کم خوری دارد و اگر در خانه چهاردهم که از دوازدهم سوم شد
 و خانه شوم حرکت باشد آنجا اگر شکل سعد منقلب بود سعد خارج بود اسب بخر و شتر قمار باشد اما بے اختیار
 سه جمد و طاره کند و اگر نحس خارج بود در رفتار عیب دارد و اگر عقبه الخاج است در همین رفتار استاده شود
 و الف گردد و طاره بسیار کند و اگر نحس منقلب بود در هنگام دویدن بایستد و دست کند و از نخ داخل
 و ثابت کند که رفتار باشد بلکه از او دهنده را کب باشد هم برین قیاس از هر بیت رمل آنچه از طالع اسپ
 بهر کار منسوب باشد آنجا دیده عیب گوید چنانچه سیزده خانه گفته شده و از طالع اسپ حال نفس اسپ
 بگوید که شوخی کند یا رام گردد و نیکوی کند یا بدی چنانچه اگر عقبه داخل بود دوازدهم و دهم در شوم که خانه
 ملازم مالک است تکرار کند اسپ سائیس را لکه زند و اگر قبضه داخل که شکل خانه دهم است و دهم
 خانه منسوب بدین خوردن است پس اگر دوازدهم که طالع اسپ است نشیند و تکرار دهم کند اسپ
 سائیس را بگذرد و اگر در اول آید مالک را بگذرد و اگر عقبه داخل در دوازدهم نشسته در اول آید اسپ مالک را
 لکه زند و خانه دهم را نیز درین حکم ملاحظ کند که خانه مالک است و اگر دهم شکل دوازدهم نشسته
 در اول آید اسپ در لشکر مالک را لکه زند و اگر شکل دوازدهم نحس باشد و در دهم تکرار کند اسپ جنگی بود
 و اگر حمره در طالع اسپ بود و تکرار در خانه های نحس کند اسپ خونی بود و اگر انکس در طالع اسپ بود
 و تکرار در خانه شوم که بد و رشا نژاده گانه هفتم و دوازدهم باشد میکند اسپ دیار زاده شود کند
 و بر و بجمد و اگر خانه پانزدهم که جای اسپ است آنجا شکل نحس باشد مکان بومی آن بد است و اگر آنجا
 شکل نحس باشد اسپ آنجا نماند و اگر در اول که خانه ششم از دوازدهم میشود و بحساب و در شانزده گانه
 آنجا اگر عقله یا انکس بود اسپ را در و شکم که از عارضه که از می گویند پیدا شود و اگر عقبه الخاج در
 اول بود اسپ را عارضه خارش باشد همین طور از هر خانه حکم نماید و سعد و نحس دیده جواب بگوید دیگر

ناصر المل



اول گفته متزدد هسنى جبت مال ميراث و منازعت و خصومت دارى از اقربا بياين خویش بجهت آن مال
آماده است و اين حکم از خانه اول که طالع است نموده شد زیرا که بی در اول نشسته بر انقلاب خاطر دلیل است و در وقت
حکم رنجور عقله نگاه کردم چه نشسته که شکل مال است و عقله تکرار در رینه دهم کرده که خانه طالب است ملک آخانه
حقى در پنجم رفته و مالک حجم در هشتم که خانه ميراث است نشسته از رنجبت حکم کرده شد که متزدد هسنى جبت
ال ميراث و لیسان مالک خانه اول در سوم نشسته که به برادران و خویشان اینجا نسبت دارد و چون
به و انتها که سوم شکل طالع را یافته شد از اینجا چون شمار کنی شکل خانه پنجم سوم میشود و سوم خانه اقربا است اینجا
خس بر بدعتی مشوب برج است دلیل بر منازعت دارد و نیز در خانه دوازدهم فرج مکر شده دلیل بر خصومت برادران
بود و چون عقله بخانه سیزدهم شکل مرده است همین باعث خصومت بجهت مال ميراث است و آن مال را در تو
کار تو مال را اهدا بود که بران قابض هستی و دیگر برادران و خواهران تو از تو میخواهند که بگیرند این حکم از قبض الداخل
س حکم کرد دهم مکر شده که خانه مادر است و در بطن خویش عقله دارد و وطریق بر آوردن شکل بطن اینست که
بخانه نایض الداخل را با صاحبخانه که نصرة الخارج مالک دهم است ضرب کرده شد عقله برآمد و همین طور هر شکل
نحو را با صاحبخانه ضرب کرده زانچه باطن میکنند پس اینجا عقله در دهم پیدا شده و بجهت در طالع نیز هست
نظر بر رنجبت مال مادر گفته شد دیگر آنکه فرج در خانه هشتم که ميراث است نشسته و تکرار در دوازدهم کرده
ن نیست ملک خانه دوازدهم در یازدهم که از دهم دوم میشود و دوم مال است از رنجبت مال مادر گفته و دیگر آنکه
تضا قور خانه چهارم نشسته و مالک خانه چهارم جماعت در هفتم رفته که خانه زن است و آن زن مادر باشد

حاصل شود بعضی حاصل نشود و اگر خارج نخواست آن مطلب حاصل نشود
 دیده نتیجه حکم ازین خانه کند و حکم نماید

طریق احکام بیت پانزدهم رمل

و این خانه قاضی الرمل است و میزان الرمل است و در اینجا هر شکلی که نقطه طاق دارد
 چرا که خانه عدالت است و نتیجه همه را آنچه اگر میزان نخواست همه را آنچه نخواست است اگر سعد است همه
 اگر کسی برای صلح و مشورت پرسد ازین خانه حکم نماید اگر شکل نخواست مشوره نیک بود و اگر سعد
 نیک است اگر خارج است اراده سفر سائل دارد و اگر داخل است حکم داخل است باید که مفسوب
 اگر نصرة الخارج بود آید گوید که قصد تجارت و روزگار کردن میداری و برای این بر سفر کردی
 قبضه داخل آید دلیل که سائل خیال جمع کردن مال و حصول آن دارد اگر عقله بنه آید
 حال مریض گوید هم برین طریق از مفسوبات اشکال هر که در اینجا آید حکم

طریق احکام بیت شانزدهم رمل

و این خانه نتیجه همه را آنچه و عاقبت احوال ماکمل است و طلب خیر و مشورت انجام کار و انجام کار را
 عمر سائل پس هر شکلی که در اینجا نشیند احوال انجام کار را از آن گوید از سعد بر نیکوی آن و از
 حال انجام مثلا سوال از دخول مال بود و در دوم خانه که مفسوب مال است شکل نخواست و خارج
 به خرج مال ما اگر در شانزدهم شکل سعد داخل بود گوید که حال جمع کردن مال نیک است و با انجام
 خواهی شد و اگر در دوم شکل داخل بود گوید که مال جمع خواهد شد و در شانزدهم شکل خارج بود
 انجام کار آن مال تلف شود و مفسوب خواهی شد هم برین قیاس از هر خانه و سوال حکم انجام از

خاتمه در بیان احکام شانزده خانه رمل در زائجه

چون این ترتیب احکام شانزده خانه گفته شد و رفتم طالب این فن گویا بطریق سهل نیاید
 لازم گشت که از هر خانه در یک زائجه حکم نمایم و طریق آن واضح گفتم تا هر یک را قریب الفهم باشد و
 که شخصی سوال کرد که احوال من چیست جمله بیان کنید پس نیت رمل کشیدیم بدین صورت

حاکم کرده که مخالفان خوشیان موافق شوند و دیگر چون قبض الخارج شکل خوشیان در پانزدهم رفته
 و مالک پانزدهم اجتماع در پنجم رفته که خانه دوستی و محبت است باین همه دلیل گفته که متر و دهم
 از جهت مال میراث که برادران از تو مناقشه میکنند و آن مال از جانب مادر نسبت و این دعوی
 پیش حاکم خواهد شد و در آن تلف مال تو خواهد بود اما انجام کار نیک است و مخالفان و دوست
 شوند و این فتنه رفع خواهد شد این همه که گفته شد از حکم طالع بود و از خانه اول بود پس بهرین
 قیاس از هر خانه منسوبات اشکال و کلمات آن دیده حکم نماید براس تقسیم نمودن طالب مشا
 گفته شده فقط لا یعلم الغیب الا هو الله العظیم

خاتمه الطبع از علمای مطبع

حمد مجید مرتان خالق صمد را سزاوار است که هر فرد و زوج ذی حیات را بر وحدانیت او اقرار
 است و لغت سر در کائنات حبیب کردگار که تفریقش موجب افتخار هر مومن و نیکو است اما بعد جمله
 شائقین علم و عمل و زمره کالمین ببدل را نژده باد که کتاب لاجواب کمالات انتساب
 زینبای طریق کالمان افضل اعنی ناصر الرتل مولف دانش آموز حکمت آب مقبول بارگاه
 این و مستقال ناصر بن محمد بن حیدر رمال بار سوم در مطبع نامی نشی لول کشور حساب
 سی آلی دای مقام لکهنو باده جولای ۱۳۹۷ مطابق ماه ذی حجه سن ۱۳۹۷ هجری طبع گردیده
 مقبول شایگان دیار و امصار گشت بمنه و کرمه

که جماعت ائم الاشکال است این هم دلیل مادر است و برای این مال نوبت دعوی نمودن پیش حاکم بود
و مال تو درین قضیه تلف گردد انجام کار آن مخالف موافق بودند و این فتنه رفع گردد این حکم نیز ازین جهت
گفته شد که به شکل مال در دهم است و دهم خانه حاکم است دیگر نصرة الخارج مالک خانه دهم در دهم نشسته
و مالک دهم در بطن خانه سوم است که خانه برادران است و نیز شکل طالع لیان در اینجا موجود است ازین
سبب گفته که نوبت دعوی نمودن بحاکم رسد و نیز دلیل اینکه شکل خانه برادران و اقربا بان در خانه پانزدهم
رفته که قاضی ازل است و دعوی پیش قاضی بردن است از جهت حکم کرده که نوبت دعوی نمودن پیش حاکم
شود و مگر اینکه در خانه مال میراث نشسته و مکرر در دوازدهم شده و مالک آتخانه در یازدهم مقارنه خانه
دهم شده که خانه حاکم است گویا مقدمه میراث پیش حاکم رفته باین وجه گفته شد که نوبت دعوی کرد پیش
حاکم بود و اینکه گفته مال تو درین مقدمه تلف گردد ظاهر است که قبض الداخل مال سائل است که مالک
خانه دوم است و نیز درین زائجه در خانه دوم بقوت سکون خود نشسته و در ششم که خانه ساقط است
نگار کرده و عقله ملک ششم نور طالع است که در بطن خویش انگیس به دارد که شکل مرده است و نیز شکل
خانه شریکان است نشسته پس گفته شد که جهت قضیه شریکان خویشان بیاعت مال میراث یعنی مال است
که از جانب مادر باشد مال سائل تلف گردد و اینکه گفته که انجام کار آن مخالف موافق بودند و این فتنه
رفع گردد این حکم ازین سبب نموده که برادران سائل خانه سوم است انجام شکل سعد منسوب به شری
نشسته و نیز قبض الخارج در خانه پانزدهم که خانه صلح و مشورت است رفته معلوم شد که انجام کار صلح
از مخالفان گردد زیرا که به شکل لفاق بخانه اتفاق رفته و نیز حال انجام از شانزدهم گویند انجام نگاه
کرده شد نصرة الداخل نشسته که شکل خانه یازدهم است و یازدهم خانه دوستی است و نیز عبته الخارج
در خانه یازدهم آمده و این شکل منسوب بدشمن است پس چون شکل دشمن بخانه دوستی رسید از
دشمن دوستی گردید و دیگر دلیل اینکه نصرة الداخل در چهاردهم که خانه مطلوب است نشسته و در بطن
خویش حمزه دارد پس حکم کرده شد که بحیث مال میراث فتنه از خویشان شود اما رفع گردد چرا که حمزه
شکل خانه میراث است و انجام نشسته که شکل خانه بیجم است و بیجم خانه عشق و محبت است پس از جهت